

اقتدار برای صلح
محمد عطریان‌فردوراهی توافق و تنش
ذوالقدر از شرط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز خبر دادقتل دردناک
ماجرای ناپدید شدن یک مداح

مسعود پزشکیان در دومین نشست خبری خود تأکید کرد:

نمی‌شود جنگ باشد اما کمبود و گرانی نباشد

در حاشیه این نشست نیز رئیس‌جمهور در پاسخ به سوالی درباره

شایعه استعفای محمدباقر ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی گفت:

یک‌سری اختلافات مطرح است که تلاش می‌کنیم برطرف شود



عاطفه شمس

گروه سیاسی



دومین نشست خبری رئیس‌جمهور، روز گذشته همزمان با روز خبرنگار در وزارت کشور برگزار شد؛ نشستی که بیش از ۷۰ خبرنگار از خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها

و پایگاه‌های خبری سراسر کشور در آن حضور داشتند و جمعی از اعضای دولت از جمله محسن حاجی‌میرزایی رئیس دفتر رئیس‌جمهور، محمدجعفر قائم‌پناه سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، اسکندر مومنی وزیر کشور، سیدعباس عراقچی وزیر امور خارجه

و برخی دیگر از اعضای کابینه و دفتر رئیس‌جمهور نیز پزشکیان را همراهی کردند. رئیس‌جمهور در این نشست و در پاسخ به سوال خبرنگار «سازندگی» درباره برنامه دولت برای ترمیم و تقویت لایه‌های میانی مدیریتی و استفاده از ظرفیت نخبگانی که بسیاری از آنها در انتخابات از او حمایت کرده بودند اما

امروز در عزلت قرار گرفته‌اند آن هم در شرایطی که کشور در دوره پساجنگ بیش از هر زمان دیگری به این سرمایه انسانی نیاز دارد، از استفاده «مأموریت‌محور» از نخبگان و واگذاری اختیارات به آنها گفت و تأکید کرد که معیار همکاری با افراد نتیجه عملکرد آنهاست.

ادامه در صفحه ۲

تحت تعقیب

سختگوی قوه قضائیه اعلام کرد:
محمدباقر خرازی
به دادگاه ویژه روحانیت احضار شد

یادداشت روز

عبور از سهم خواهی احساسی

باید میان واقعیت حقوقی و هیاهوی سیاسی
در موضوع دریای خزر تفکیک قائل شد

فریدون مجلسی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

بار دیگر نام دریای خزر در فضای سیاسی و رسانه‌ای ایران بر سر زبان‌ها افتاده است؛ این بار در سایه بحث درباره تعیین تکلیف کنوانسیون رژیم حقوقی خزر. طبیعی است که هر سخنی درباره مرزهای آبی و منافع سرزمینی ایران حساسیت ایجاد کند اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که یک مسئله پیچیده حقوقی و جغرافیایی به یک عدد ساده تقلیل پیدا کند: «۵۰ درصد سهم ایران». چنین روایتی بیش از آنکه به دفاع از منافع ملی کمک کند، می‌تواند افکار عمومی را گرفتار یک سوء تفاهم تاریخی کند. یکی از نمونه‌های مهم این سوء تفاهم، استناد به سابقه روابط ایران و شوروی است. در دوره اتحاد شوروی، مرز عملی مورد استفاده برای تردد در خزر از حسینقلی تا آستارا ترسیم شده بود و ایران همواره نسبت به این وضعیت ملاحظاتی داشت. حتی در آن زمان این بحث مطرح بود که در صورت ترسیم دقیق‌تر خطوط، بخش مثالی شکل بالای این خط می‌تواند در محاسبات مربوط به حقوق ایران مورد توجه قرار گیرد. بنابراین مسئله امروز را نمی‌توان صرفاً با این گزاره توضیح داد که «خزر میان ایران و شوروی نصف شده بود و اکنون باید همان نصف به ایران برسد». از همین جا باید با یک روایت سیاسی دیگر نیز مرزبندی کرد؛ روایتی که هرگونه توافق را به «از دست رفتن حقوق ایران» تعبیر می‌کند. این ادبیات گاه در داخل و گاه در خارج از کشور تکرار می‌شود و حتی با ماجرای بحرین مقایسه می‌شود؛ گویی همان‌طور که برخی جریان‌ها، جدایی بحرین را دستمایه انتقاد از نظام گذشته قرار می‌دهند اکنون نیز قرار است با طرح ادعای «واگذاری ۵۰ درصد خزر» موضوعی مشابه علیه جمهوری اسلامی ساخته شود. درحالی که این دو مسئله از اساس یکسان نیستند و رژیم حقوقی یک پهنه آبی را نمی‌توان با یک روایت سیاسی یا تاریخی تعیین کرد. آنچه باید تعیین‌کننده باشد، نقشه، مختصات جغرافیایی، خطوط مبدأ، اصول حقوقی و محاسبات دقیق کارشناسی است. حتی در کنوانسیون خزر نیز تعیین حدود بستر و زیربستر به توافق‌های بعدی میان کشورهای ذی‌ربط واگذار شده و وضعیت خاص سواحل ایران در بحث خطوط مبدأ مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین اگر در محاسبات مربوط به خطوط و زوایا، حقی از ایران باقی مانده باشد باید همان نقطه دقیقاً شناسایی و برای آن مذاکره شود؛ نه اینکه با یک ادعای کلی تمام توافق را زیر سوال ببریم. از سویی دیگر باید پرسید، قرار است از خزر چه چیزی نصیب ایران شود؟ آیا هدف فقط کشمکش دائمی بر سر مرزها و منابع است یا می‌توان این دریا را به یک فرصت اقتصادی تبدیل کرد؟ خزر می‌تواند، مسیر مهمی برای تجارت میان ایران و کشورهای شمالی باشد. توسعه بندر، افزایش ناوگان تجاری، ایجاد خطوط منظم کشتیرانی و اتصال بندر شمالی به شبکه ریلی و جاده‌ای کشور می‌تواند، ارزش اقتصادی این پهنه را چند برابر کند. خود کنوانسیون نیز بر توسعه همکاری اقتصادی و استفاده صلح‌آمیز و پایدار از خزر تأکید دارد. واقعیت این است که منافع ایران در خزر فقط در کیلومتر مربع خلاصه نمی‌شود. یک بندر فعال، یک مسیر تجاری پایدار و صدها خط کشتیرانی می‌تواند برای کشور، ارزشی به‌مراتب بیشتر از یک مناقشه بی‌پایان و بی‌حاصل داشته باشد. ایران باید از حقوق خود کوتاه نیاید؛ اما دفاع از حق با ناسیونالیسم احساسی تفاوت دارد. اگر در گوشه‌ای از نقشه، از حسینقلی تا آستارا، حقی وجود دارد باید با سند و محاسبه از آن دفاع کرد. اما اگر حق ایران تأمین شده است، ادامه دادن اختلاف تنها روابط با همسایگان را فرسوده می‌کند. خزر نباید «استخوان لای زخم» بماند؛ باید به دریایی برای تجارت، سرمایه‌گذاری، توسعه بندر و همکاری منطقه‌ای تبدیل شود. این شاید همان جایی باشد که منافع واقعی ایران آغاز می‌شود.

دیدگاه: گفتار روز

اقتدار برای صلح

عطریان‌فر: دیپلماسی به‌موقع تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند



گروه سیاسی: محمد عطریان‌فر، عضو

شورای مرکزی و معاون سیاسی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با ایرنا، در حالی بر ضرورت حفظ قدرت بازدارندگی تأکید کرد که راه برو‌ن‌رفت از بحران‌های امنیتی و اقتصادی را نه در انتخاب میان «مقاومت» و «مذاکره» بلکه در تلفیق اقتدار و دیپلماسی می‌داند. به باور او، قدرت دفاعی بدون دیپلماسی می‌تواند، هزینه‌های منازعه را افزایش دهد و دیپلماسی بدون پشتوانه قدرت نیز از کارآمدی لازم برخوردار نیست. عطریان‌فر همچنین نسبت به پیامدهای تخریب سیاسی، ارسال پیام‌های متناقض و تضعیف اجماع داخلی هشدار داد و تأکید کرد که پیروزی راهبردی، پیش از هر چیز، جلوگیری از جنگ، حفظ امنیت و فراهم کردن امکان توسعه و رفاه مردم است.

محمد عطریان‌فر معتقد است، اختلاف‌نظر درباره مذاکره و ادامه تقابل بیش از آنکه ناشی از تفاوت در هدف باشد به تفاوت در ارزیابی از رفتار طرف مقابل و میزان اعتماد به آن بازمی‌گردد. او در تشریح دو رویکرد موجود در فضای سیاسی کشور گفت، مخالفان مذاکره بدون تضمین معتبر هرگونه انعطاف را موجب افزایش فشار طرف مقابل می‌دانند و بر تقویت توان دفاعی و «مقاومت فعال» تأکید دارند. در مقابل، حامیان مذاکره معتقدند، گفت‌وگو از موضع قدرت و با حفظ خطوط قرمز می‌تواند از تشدید بحران جلوگیری کند و هزینه‌های اقتصادی و امنیتی کشور را کاهش دهد.

به گفته عطریان‌فر، نمی‌توان هر مخالف مذاکره را لزوماً طرفدار تداوم جنگ و هـر حامی مذاکره را خواهان مصالحه یک‌جانبه دانست. مسئله اصلی، انتخاب ابزاری است که در مقطع مشخص بیشترین تأمین منافع ملی و کمترین هزینه را به‌دنبال داشته باشد. او تأکید می‌کند: «جنگ و مذاکره هر دو ابزاری‌هایی برای تحقق اهداف و منافع ملی هستند».

این عضو شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی ایران، سیاست خارجی موفق را حاصل ترکیب «قدرت سخت و قدرت نرم» می‌داند. از نگاه او، تقویت بازدارندگی احتمال وقوع جنگ را کاهش می‌دهد اما در سوی دیگر «به‌کارگیری به‌موقع دیپلماسی، تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند». بنابراین قدرت دفاعی و دیپلماسی نه دو مسیر رقیب بلکه دو ظرفیت مکمل برای تأمین امنیت و منافع کشور هستند.

عطریان‌فر در همین چارچوب، راهکار جریان مخالف مذاکره را نیز «مقاومت فعال» توصیف می‌کند؛ راهبردی که بر تقویت اقتصاد داخلی، کاهش وابستگی خارجی، اصلاحات ساختاری و بی‌اثر کردن تحریم‌ها استوار است. با این حال او معتقد است حتی تحقق این اهداف نیز بدون کاهش تنش‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی دشوار خواهد بود. توسعه اقتصادی، جذب سرمایه و گسترش تجارت، به گفته او، در شرایط اقتصاد جهانی نیازمند مدیریت مناسبات خارجی است.

بخش دیگری از سخنان عطریان‌فر به فضای سیاسی داخلی اختصاص دارد. او میان «نقد مسئولانه» و «تخریب» مرز روشنی قائل می‌شود و هشدار می‌دهد که فحاشی، اتهام‌زنی و دوقطبی‌سازی، به‌جای اصلاح امور، امکان شکل‌گیری اجماع ملی را کاهش می‌دهد. به اعتقاد او حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی، منافع ملی و عزت کشور باید به اصول مشترک جریان‌های سیاسی تبدیل شود.

او همچنین درباره ارسال پیام‌های متناقض در شرایط تقابل خارجی هشدار داد و گفت، بازیگران بین‌المللی علاوه بر توان نظامی و اقتصادی، میزان همگرایی سیاسی و ثبات داخلی کشور را نیز رصد می‌کنند. به باور عطریان‌فر، رقابت سیاسی نباید تصویری از ناتوانی در تصمیم‌گیری ایجاد کند؛ چراکه هر نشانه‌ای از شکاف داخلی می‌تواند، طرف مقابل را به اتخاذ سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر ترغیب کند.

در نهایت، عطریان‌فر تعریف متفاوتی از «پیروزی» ارائه می‌دهد؛ پیروزی الزاماً فتح نظامی یا ورود به جنگ نیست بلکه زمانی محقق می‌شود که کشور بتواند از جنگ جلوگیری کند، امنیت و استقلال خود را حفظ کند، هزینه‌های ملی را کاهش دهد و مسیر توسعه و رفاه مردم را باز نگه دارد. او می‌گوید، بازدارندگی نیز تنها به قدرت نظامی محدود نیست و «اقتصاد توانمند، ثبات سیاسی، فناوری پیشرفته و دیپلماسی فعال» همگی اجزای قدرت ملی‌اند. بر این اساس از نگاه عطریان‌فر، ترکیب اقتدار، عقلانیت و دیپلماسی به‌موقع می‌تواند، مهم‌ترین ابزار کشور برای عبور کم‌هزینه‌تر از بحران‌های پیش‌رو باشد.

میهن

بررسی رویدادهای سیاسی

ادامه تیتربیک

نمی‌شود جنگ باشد، اما گرانی هم نباشد

گروه کارشناسی تشخیص داد که آن فرد شایستگی لازم را ندارد باید آن نظر کارشناسی را بپذیریم». با این حال پزشک‌های بار دیگر بر اولویت توانمندی بر ملاحظات سیاسی تأکید کرد و با بیان اینکه خبرنگاران نیز می‌توانند در ایجاد این مطالبه عمومی نقش‌آفرین باشند، گفت: «شما به عنوان خبرنگار می‌توانید، کمک کنید که افراد خبره و توانمند وارد عرصه شوند؛ اینجا جای سیاسی‌کاری نیست. اگر قرار است، کشور درست شود باید فرد توانمند مسئولیت بگیرد؛ حتی اگر با من موافق نباشد».

پزشک‌های همچنین با تأکید بر انگیزه خود از حضور در دولت گفت: «بنده هیچ انگیزه‌ای جز خدمت به مردم کشورم براساس عدالت و انصاف ندارم» و با اشاره به مشکلات موجود افزود: «تلاش می‌کنیم که با همراهی یکدیگر بر این مشکلات غلبه کنیم».

مصلحتی بالاتر از حفظ وحدت و انسجام نداریم

پزشک‌های در بخش دیگری از این نشست در پاسخ به پرسش خبرنگار ایرنا درباره راه خروج کشور از بحران و حل مشکلات اقتصادی، تأکید کرد: «مهم‌ترین دغدغه من در حال حاضر معیشت مردم است نه حمله دوباره آمریکا».

پزشک‌های همچنین در پاسخ به پرسشی درباره راه خروج کشور از شرایط نه جنگ و نه صلح به جمله‌ای از امیرالمؤمنین (ع) اشاره کرد و گفت: «الان می‌فهمم که چرا امیرالمؤمنین (ع) با چاه سخن می‌گفت؛ بسیاری از حرف‌ها را نمی‌شود گفت چراکه اگر بگوییم، دعوا می‌شود». او تأکید کرد که در شرایط کنونی «مصلحتی بالاتر از حفظ وحدت و انسجام نداریم» و افزود: «خیلی جاها باید برای حفظ وحدت و انسجام کوتاه بیاییم».

پزشک‌های در ادامه با دفاع از عملکرد تیم‌های کارشناسی و مذاکره‌کننده کشور، تأکید کرد: «اعتقاد من این است که تیم مذاکره‌کننده ما انسان‌های دلسوز، کارشناس و زحمت‌کشی بودند. بی‌انصافی است که خودمان آنها را این‌گونه تخریب کنیم».



رئیس‌جمهور با تشریح نحوه تعامل دولت با رهبری و تأکید بر جایگاه وحدت و انسجام در فرآیند حکمرانی، افزود: «در زمان رهبر شهیدمان اگر من احساس می‌کردم در ذهن رهبری چیزی هست که با تصمیمات ما فرق دارد، ما همه آن تصمیمات را کنار می‌گذارستیم و به خواسته رهبری عمل می‌کردیم؛ برای اینکه مملکت با وحدت و انسجام می‌تواند، پیش برود. ایشان با قدرت از دولت و از کارها و سیاست‌های دولت، پشتیبانی و به ما کمک می‌کرد و کار پیش می‌رفت».

رئیس‌جمهور در ادامه، مسئله اختلاف و دوقطبی شدن فضای جامعه را یکی از خطرات جدی پیش روی کشور دانست و گفت، آمریکا و اسرائیل به این نتیجه رسیده‌اند که با موشک نمی‌توانند، ایران را تسلیم کنند اما با اختلاف و تفرقه می‌توانند به این هدف برسند. به گفته پزشک‌های اختلاف‌نظر در هر جامعه‌ای طبیعی است و نمی‌توان انتظار داشت همه مردم یک نگاه و سلیقه داشته باشند؛ مسئله مهم این است که نقاط مشترک برجسته شود و جامعه حول آنها شکل بگیرد. او با اشاره به برخی مطالب و مواضع مطرح شده در فضای رسانه‌ای گفت، گاهی ترجیح داده است به آنها پاسخ ندهد چراکه پاسخ متقابل می‌تواند به چرخه‌ای از تقابل منجر شود که در نهایت هر طرف مخاطبان خود را جمع کند و جامعه را در برابر یکدیگر قرار دهد. او خطاب به خبرنگاران گفت: «از شما خبرنگاران هم می‌خواهم که به ما کمک کنید که دعوا نکنیم».

رئیس‌جمهور البته نقش رسانه را تنها در حفظ آرامش و جلوگیری از اختلاف خلاصه نکرد و از خبرنگاران به‌عنوان رآویان حقیقت یاد کرد. او با اشاره به نقش تاریخی خبرنگاران گفت اگر خبررسانی و فریاد حقیقت‌طلبی آنها نباشد بسیاری از واقعیت‌ها در تاریخ گم می‌شوند و بسیاری از جنایت‌ها دیده نخواهند شد. پزشک‌های در عین حال تأکید کرد که نحوه انتقال پیام نیز اهمیت دارد و گاهی ممکن است، حرفی درست باشد اما طرح آن در یک زمان یا به شکلی خاص به مصلحت کشور نباشد.

معیشت مردم؛ مهم‌ترین نگرانی رئیس‌جمهور

در کنار بحث انسجام، رئیس‌جمهور در پاسخ به پرسش خبرنگار روزنامه جوان درخصوص تورم و گرانی و برنامه دولت برای مقابله

با این شرایط، اظهار کرد: «در جلسه‌ای که خدمت رهبر معظم انقلاب رسیدم و در تمام جلساتی که در دولت برگزار می‌کنیم، معیشت مردم مهم‌ترین دغدغه من است، تمام تلاش خود را چه پیش و چه پس از جنگ به کار گرفته‌ایم که مشکلات معیشتی مردم را حل کنیم».

پزشک‌های با اشاره به شرایط اقتصادی ناشی از جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، گفت دشمنان تصور می‌کردند با حمله نظامی می‌توانند، کشور را ساقط کنند اما دفاع نیروهای مسلح و حضور مردم مانع تحقق این هدف شد. او تأکید کرد حتی کسانی که با جمهوری اسلامی اختلاف داشتند و حتی برخی براندازان نیز در این شرایط فریب آمریکا و اسرائیل را نخوردند و در کنار دشمن قرار نگرفتند.

با این حال، رئیس‌جمهور تأکید کرد که تبعات اقتصادی جنگ همچنان پابرجاست. به گفته او، محدودیت در مسیر واردات کالا، افزایش هزینه‌ها و دشواری تأمین نیازهای اساسی، فشار مضاعفی بر اقتصاد وارد کرده است. پزشک‌های با اشاره به همکاری اصناف، بازاریان و اتاق‌های بازرگانی برای مدیریت بازار گفت اگر این همکاری وجود نداشت، شرایط اقتصادی می‌توانست بسیار بدتر از وضعیت فعلی باشد.

او در همین چارچوب درباره کالابریک نیز در پاسخ به سوال خبرنگار صداوسیما، درباره برنامه دولت برای بهبود وضعیت معیشت مردم به‌ویژه افزایش نرخ کالابریک گفت، دولت به‌دنبال اصلاح نرخ آن است و در حال بررسی راهی برای تأمین منابع پایدار آن است. در نهایت پزشک‌های صریح‌ترین بخش سخنانش درباره اقتصاد را زمانی مطرح کرد که گفت: «مهم‌ترین نگرانی من در شرایط نه جنگ و نه صلح، این نیست که آمریکا دوباره حمله کند چراکه به مقاومت مردم و توانایی نیروهای مسلح کشورمان اطمینان دارم؛ مهم‌ترین نگرانی من، معیشت و وضعیت اقتصادی مردم است».

رئیس‌جمهور در ادامه، شرایط اقتصادی را با وضعیت امنیتی کشور مرتبط دانست و گفت، بی‌ثباتی و نااطمینانی مستقیماً بر بازار و جریان سرمایه تأثیر می‌گذارد. به گفته او، سرمایه‌گذار در شرایطی که احساس ناامنی و خطر وجود دارد، حاضر نیست سرمایه خود را وارد میدان کند و همین مسئله به بی‌ثباتی اقتصادی و بازار ارز دامن می‌زند.

در بخش دیگری از نشست، پزشک‌های در پاسخ به سوال خبرنگار ایرنا، درباره برنامه دولت برای برداشتن سایه تحریم و مقابله با کسانی که در قالب‌های مختلف از وضعیت تحریم کاسبی می‌کنند، اظهار کرد: «اما با این پیمانی که بسته بودیم و توافقی که انجام شده بود، قرار بود تحریم‌ها را بردارند و بخشی از آنها را برداشتند.

اما صهیونیست‌ها هم نمی‌خواهند کشور ما آرام باشد، وحدت داشته باشد و انسجام داشته باشد. از سوی دیگر نمی‌شود، شعار بدهیم که می‌جنگیم اما فردا در بازار همه چیز هم باشد و گرانی هم نباشد».

پزشک‌های در ادامه و در پاسخ به سوال خبرنگار پایگاه خبری «آخرین خبر» درباره نگرانی و دغدغه مردم درباره آینده قیمت بنزین و تصمیم دولت در این زمینه با اشاره به موضوع تأمین بنزین و سایر حامل‌های انرژی، آن را در چارچوب سیاست‌های دولت در حوزه عدالت و مدیریت منابع مورد توجه قرار داد و با تأکید بر اینکه هرگونه تصمیم مهم اقتصادی و اصلاحی باید با اطلاع‌رسانی و همراهی مردم انجام شود، خاطرنشان کرد: «اما و شما باید بنشینیم و با هم همدل شویم. اگر روند ادامه پیدا کرد، چگونه باید این کمبودها و این روند را مدیریت کنیم؟ باید بپذیریم که اگر این اتفاق افتاد و نتوانستیم تولید کنیم و نتوانستیم بخریم، چگونه باید مدیریت کنیم». او در نهایت تأکید کرد: «اگر واقعیت‌ها را با مردم در میان بگذاریم و درباره آنها گفت‌وگو کنیم هرچه مردم بگویند، ما همان کار را می‌کنیم. ما با مردم هستیم. ما آمده‌ایم برای مردم نوکری کنیم؛ ما نیامده‌ایم ریاست کنیم».

در بخش دیگری از نشست، پزشک‌های بار دیگر به نقش انسجام اجتماعی در عبور کشور از شرایط دشوار اشاره کرد و گفت همین که امروز با وجود همه مشکلات، کشور همچنان اداره می‌شود، نتیجه همراهی مردم، قوا، نیروهای امنیتی و نظامی و هدایت رهبری است. او از احزاب و جریان‌های سیاسی نیز که در شرایط جنگ و بحران به حفظ آرامش و انسجام کمک کرده‌اند، قدردانی کرد و گفت ممکن است، افراد یا گروه‌هایی گاهی مواضعی تفرقه‌برانگیز مطرح کنند اما نباید اجازه داد این موارد به شکاف گسترده در جامعه تبدیل شود.

در حاشیه این نشست نیز رئیس‌جمهور هنگام ثبت عکس یادگاری با خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره استعفای ذوالقدر از دبیری شورای عالی امنیت ملی، گفت که یک‌سری اختلافات مطرح است که تلاش می‌کنیم، برطرف شود. محسن حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری نیز از بیان جزئیات در این باره پرهیز کرد و گفت که هر زمان حکمی منتشر شد، آن را مشاهده می‌کنید.

قطعنامه ضدایرانی سنا

آمریکا شمشیر تحریم علیه ایران و روسیه را تیزتر کرد

گروه بین‌الملل: سنای آمریکا با ۸۶ رأی موافق در برابر ۱۱ رأی مخالف، «قانون تحریم روسیه و ایران به‌نام لایندسی گراهام» را تصویب کرد؛ اقدامی که می‌تواند، مرحله تازه‌ای از فشار اقتصادی واشنگتن علیه مسکو و تهران را رقم بزند. اهمیت این قانون تنها در تحریم مستقیم روسیه و ایران نیست بلکه بخش مهمی از آن متوجه کشورهایایی است که همچنان به خرید نفت و گاز روسیه ادامه می‌دهند. این طرح که اکنون برای بررسی به مجلس نمایندگان می‌رود، یکی از مهم‌ترین اقدامات کنگره آمریکا در حوزه سیاست خارجی طی دومین دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ محسوب می‌شود. این قانون حاصل تلاش مشترک لایندسی گراهام، سناتور جمهوری‌خواه کارولینای جنوبی و ریچارد بلومنتال، سناتور دموکرات، بود و پس از درگذشت ناگهانی گراهام با همین عنوان دنبال شد.

تعرفه ۱۰۰ درصدی در کمین خریداران روسیه

مهم‌ترین بخش قانون، ایجاد چارچوبی برای اعمال تحریم‌های ثانویه علیه خریداران انرژی روسیه است. براساس این سازوکار، دولت آمریکا اختیار خواهد داشت، تعرفه‌هایی تا سقف ۱۰۰ درصد بر واردات از ۵ خریدار بزرگ نفت و گاز روسیه اعمال کند. چین، هند، جمهوری آذربایجان، مجارستان

دیپلماسی

دوراهی توافق و تنش

محمداقبر ذوالقدر از شرط ایران برای بازگشایی تنگه هرمز خبر داد

ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

همزمان با مذاکرات تهران و مسقط در مورد تنگه هرمز وزارت خارجه عمان اعلام کرد، مذاکرات جاری در مورد ترتیبات ناوبری در تنگه هرمز در فضایی مثبت و سازنده درحال انجام است. اما این آبراه استراتژیک، بار دیگر به کانون تنش تبدیل شده است؛ هدف قرار گرفتن یک نفتکش اماراتی در شرایطی رخ داده که تهران و مسقط در حال مذاکره درباره سازوکار حقوقی و مسیرهای عبور و مرور از این آبراه راهبردی هستند. با این حال ایران تأکید دارد که بازگشایی تنگه صرفاً یک مسئله فنی و دریایی نیست و پیش از هر چیز به جبران آنچه تهران «نقض تفاهم‌نامه اسلام‌آباد» از سوی آمریکا می‌داند، وابسته است.

در همین حال جی‌دی ونس، معاون دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا در اظهاراتی با اشاره به اینکه با ایرانی‌ها در حال گفت‌وگو هستیم، گفت: با توجه به کار گذاشتن مین در تنگه در حال بررسی یک سازوکار تردد دریایی هستیم. ایران و کشورهای خلیج فارس درحال گفت‌وگو درباره چگونگی تضمین عبور و مرور امن کشتی‌ها هستند. انتظار ما این است که همان میزان نفت و گازی که پیش از آغاز درگیری از خلیج فارس صادر می‌شد، دوباره خارج شود و این موضوع طبیعتاً شامل مین‌رویی و تعهد ایران به عدم شلیک به کشتی‌های تجاری است.

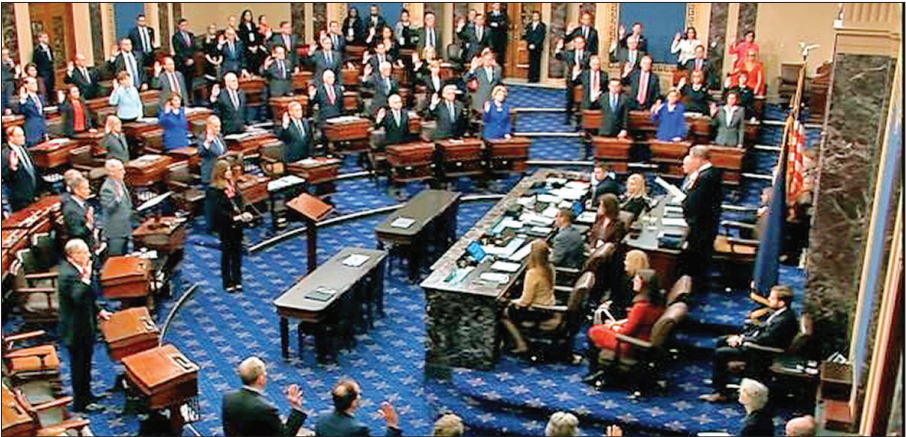
تنش تازه در تنگه هرمز درحالی شکل گرفته که منابع اماراتی از هدف قرار گرفتن یک کشتی این کشور خبر داده‌اند. این حادثه در شرایطی رخ می‌دهد که شرکت نفتی اندوک نیز پیش‌تر اعلام کرده بود از ابتدای جنگ رمضان ۱۵ کشتی مرتبط با این شرکت هنگام عبور از تنگه هرمز، هدف حملات موشکی و پهپادی قرار گرفته‌اند. اندوک همچنین تأیید کرده که طی هفته گذشته، سه کشتی مرتبط با این شرکت هدف قرار گرفته‌اند؛ تحولاتی که بار دیگر امنیت کشتیرانی در یکی از مهم‌ترین آبراه‌های انرژی جهان را در مرکز توجه قرار داده است.

وزارت خارجه امارات در واکنش به این حادثه، هدف قرار دادن نفتکش اندوک با موشک، هنگام عبور از تنگه هرمز را به شدت محکوم کرد و مدعی شد، هدف قرار دادن کشتی‌های تجاری و استفاده از تنگه هرمز به‌عنوان ابزار فشار یا باج‌گیری، مصداق دزدی دریایی از سوی سپاه پاسداران است. این موضع‌گیری

و اسلواکی در شرایط فعلی در معرض این فشار قرار می‌گیرند. به این ترتیب واشنگتن تلاش دارد، هزینه تجارت انرژی با مسکو را از روسیه به کشورهای خریدار نیز منتقل کند. منطق این سیاست آن است که تحریم فروشنده به‌تهایی برای متوقف کردن جریان درآمدهای روسیه کافی نیست. بنابراین آمریکا اکنون به سراغ خریداران رفته تا با تهدید تعرفه‌های سنگین، آنها را میان ادامه دسترسی به انرژی ارزان روسیه و حفظ دسترسی به بازار آمریکا مخیر کند. در کنار این اقدامات، قانون تحریم‌های مستقیم علیه ولادیمیر پوتین، مقام‌های ارشد کرملین، الیگارش‌ها و مؤسسات مالی همسو با دولت روسیه را نیز تثبیت می‌کند.

هند در خط مقدم فشار

هند یکی از مهم‌ترین کشورهایایی است که ممکن است تحت‌تأثیر این قانون قرار گیرد. دهلی‌نو از سال ۲۰۲۲ به یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت خام تخفیف‌خورده روسیه تبدیل شده و از این طریق هزینه انرژی خود را کاهش داده است. واشنگتن پیش‌تر نیز تعرفه اضافی ۲۵ درصدی بر برخی کالاهای هندی اعمال کرده بود اما قانون جدید می‌تواند در صورت استفاده حداکثری از اختیارات آن، نرخ تعرفه بر برخی کالاهای هندی را به بیش از ۱۰۰ درصد برساند.



جنگ اقتصادی یا جنگ تجاری؟

با وجود حمایت گسترده سنا، قانون با مخالفت‌هایی نیز روبه‌رو شده است. منتقدان هشدار داده‌اند که اعطای اختیار گسترده برای اعمال تعرفه به رئیس‌جمهور می‌تواند به افزایش قیمت‌ها برای مصرف‌کنندگان آمریکایی و اقدامات تلافی‌جویانه علیه صادرکنندگان این کشور منجر شود. رند پال نیز تلاش کرد، مفاد تعرفه‌ای قانون را حذف کند. اکنون سرنوشت این راهبرد در مجلس نمایندگان تعیین خواهد شد. اگر قانون به تصویب نهایی برسد، واشنگتن ابزار قدرتمندی برای فشار بر خریداران انرژی روسیه در اختیار خواهد داشت؛ اما موفقیت آن به این بستگی دارد که تعرفه‌ها بتوانند رفتار خریداران را تغییر دهند یا اینکه در نهایت، جبهه جدیدی از اختلافات تجاری میان آمریکا و شرکای آن ایجاد کنند. این قانون نشان می‌دهد که جنگ اقتصادی واشنگتن وارد مرحله‌ای تازه شده است؛ مرحله‌ای که در آن آمریکا دیگر تنها فروشنده نفت روسیه را هدف نمی‌گیرد بلکه خریدار آن را نیز در معرض هزینه قرار می‌دهد.

آمریکا

تشبیه ترامپ به صدام

کلینتون به کاخ طلایی ترامپ تاخت

هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه پیشین آمریکا در گفت‌وگویی از تغییرات ظاهری کاخ سفید در دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا انتقاد کرده و آن را با حس و حال کاخ‌های رژیم بعث در زمان صدام، دیکتاتور مخلوع عراق مقایسه کرد.

کلینتون در گفت‌وگو با پادکست پیسوت در این باره گفت: «دیوانه‌وار است. عکسی (از کاخ سفید) دیدم که حس و حالش مثل صدام است؛ جدی می‌گویم. وقتی بعد از سقوط صدام در بغداد بودم، جلساتی داشتم. آن زمان سناتور بودم. در بعضی از کاخ‌های او، جلساتی داشتم و آن مکان‌ها کاملاً یادآور چیزی بود که اکنون در کاخ سفید خودمان می‌بینم. غم‌انگیز است».

او افزود: «غم‌انگیز است که این قدر مبتذل و بر زرق‌وبرق شده و این بازتاب شخصیت خودشفته او و نیازش به احساس مهم بودن است ازجمله با کارهایی مانند چسباندن ترتیبات طلایی به تمام دیوارهای اتاق بیضی (کاخ سفید)». او با انتقاد از طرح‌های عمرانی بحث‌برانگیز ترامپ در کاخ سفید گفت: «صادقانه بگویم، این مرد از واقعیت دور است، آشفته و نابسمان بوده و بر همه چیزهای اشتباه متمرکز است و وسواس دارد. می‌دانید شاید باید خوشحال باشیم که با احداث استخر مشغول است و جای دیگری جنگ جدیدی راه نمی‌اندازد». او با انتقاد از رویکرد دولت ترامپ در حل‌وفصل جنگ اوکراین گفت: «می‌توانستیم آنجا یک پیروزی داشته باشیم. به معنای واقعی کلمه می‌توانستیم با کمک به اوکراینی‌ها برای دفاع از خودشان به آنها کمک کنیم تا جنگ اوکراین را پایان دهند و او (ترامپ) جایزه صلح نوبل را می‌گرفت. من چند ماه پیش گفتم اگر او به صلح شرافتمندانه با اوکراین دست یابد، آنها (اوکراین) مجبور نیستند هیچ سرزمینی را واگذار کنند. می‌توانند به اداره کشور خود بازگردند. من او را برای جایزه صلح نامزد می‌کردم اما او بیشتر به رابطه‌اش با پوتین علاقه دارد. من همه دلایل آن را نمی‌دانم اما او لطف پوتین را حتی بیشتر از جایزه صلح نوبل می‌خواهد».



چنین اقدامی می‌تواند، روابط تجاری واشنگتن و دهلی‌نو را با تنش جدی مواجه کند. از سوی دیگر قرار گرفتن مجارستان و اسلواکی، دو عضو ناتو، در معرض چنین فشارهایی نشان می‌دهد که اجرای این قانون حتی می‌تواند در روابط آمریکا با متحدان اروپایی خود نیز اصطکاک ایجاد کند.

ایران؛ ضلع دیگر فشار

قانون جدید همزمان «قانون تحریم‌های ایران» مصوب ۱۹۹۶ را تا سال ۲۰۳۱ تمدید می‌کند. این بخش، سرمایه‌گذاری خارجی در زیرساخت‌های انرژی ایران را هدف قرار می‌دهد و از نگاه قانون‌گذاران آمریکایی در چارچوب مقابله با تعمیق همکاری‌های راهبردی تهران و مسکو قرار دارد. آمریکا همچنین توسعه‌توان پهپادی و موشکی ایران را به جنگ روسیه در اوکراین مرتبط کرده است. به این ترتیب واشنگتن تلاش دارد، فشار اقتصادی علیه دو کشور را در قالب یک راهبرد واحد تعریف کند.

ماه شرایط تردد به وضعیت عادی بازگردد. به گفته او حتی در طول دو هفته میزان تردها به حدود ۶۰ درصد شرایط عادی رسید اما آمریکا تلاش کرد مسیرهای جدیدی در تنگه ایجاد کند و مدیریت ایران بر این آبراه را به چالش بکشد.

این موضع با هشدار صریح محمدباقر ذوالقدر، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی، همراه شد. او تأکید کرد تا زمانی که آمریکا رفتار خود را اصلاح نکند، تنگه هرمز باز نخواهد شد و شورای‌عالی امنیت ملی در این زمینه، چه در شرایط جنگ و چه در مذاکره، کوتاه نخواهد آمد. چنین موضعی نشان می‌دهد که تهران، مسئله تنگه هرمز را بخشی از معادله گسترده‌تر امنیتی و سیاسی میان ایران و آمریکا می‌داند نه صرفاً موضوعی مرتبط با عبور کشتی‌های تجاری.

در همین حال تحولات تنگه بار دیگر بازار جهانی نفت را تحت‌تأثیر قرار داده است. هر گونه نگرانی درباره امنیت عبور و مرور از هرمز به‌سرعت در قیمت نفت منعکس می‌شود؛ زیرا این آبراه یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان محسوب می‌شود. به همین دلیل حتی یک حادثه محدود نیز می‌تواند، پیامدهایی فراتر از جغرافیای خلیج فارس داشته باشد. این تحولات در بستر روابط شکننده تهران و واشنگتن رخ می‌دهد. از زمان برقراری تنش‌پس در اوایل آوریل، دو کشور در وضعیتی موسوم به «نه جنگ و نه صلح» قرار گرفته‌اند؛

وضعیتی که نه پایان اختلافات را رقم زده و نه نشانه‌ای از حرکت سریع به سوی توافقی پایدار است. تهران و واشنگتن همچنان بر سر مسائل اساسی اختلاف دارند و هر یک معتقد هستند در موقعیت چانه‌زنی بهتری قرار گرفته و طرف مقابل باید امتیاز بیشتری ارائه کند. با این حال رفتار دو طرف در هفته‌های اخیر نشان می‌دهد که در کنار فشار و تهدید یک محاسبه مشترک نیز وجود دارد: جلوگیری از خارج شدن بحران از کنترل. ایران و آمریکا، با وجود اختلافات عمیق،

می‌دانند تشدید بی‌محابای تنش می‌تواند، هزینه‌هایی ایجاد کند که در شرایط کنونی هیچ‌یک آمادگی پذیرش آن را ندارد. از این منظر مذاکرات ایران و عمان درباره تنگه هرمز می‌تواند یکی از معهود کانال‌هایی باشد که امکان مدیریت بحران و جلوگیری از برخوردهای گسترده‌تر را فراهم می‌کند. مسئله هرمز دیگر صرفاً به عبور نفتکش‌ها محدود نیست. آنچه در این آبراه در حال شکل‌گیری است بخشی از بازتعریف نظم امنیتی خلیج فارس است؛ نظامی که در آن نقش ایران، آمریکا، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و بازیگران میانجی بیش از گذشته به یکدیگر گره خورده است. آینده تنگه هرمز به همان اندازه که به مسیرهای دریایی و ترتیبات فنی وابسته است به نتیجه چانه‌زنی‌های سیاسی تهران و واشنگتن نیز بستگی دارد. اکنون پرسش اصلی این نیست که آیا تنگه هرمز باز خواهد شد بلکه این است که چه کسی، با چه شروطی و تحت چه سازوکاری، قواعد عبور از مهم‌ترین آبراه انرژی جهان را تعیین خواهد کرد.



شده‌اند. با این حال عراقچی تأکید کرد، باز شدن تنگه به شرایط دیگری از جمله جبران موارد نقض تفاهم‌نامه اسلام‌آباد از سوی آمریکا، وابسته است.

وزیر خارجه همچنین از پیچیدگی‌های فنی و حقوقی تعیین مسیر عبور کشتی‌ها سخن گفت و توضیح داد که در مرحله نخست، یک مسیر موقت مورد بررسی قرار گرفته است؛ مسیری که می‌تواند، مبنایی برای تعیین مسیر اصلی در آینده باشد. به گفته او، مذاکرات در این زمینه میان نیروهای نظامی و دریایی دو کشور و براساس نقشه‌های موجود انجام شده و پس از جمع‌بندی، مسیر جدید مشخص خواهد شد.

اما اختلاف اصلی تنها بر سر نقشه و مسیر عبور کشتی‌ها نیست. تهران معتقد است، آمریکا با اقداماتی که پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد انجام داده عملاً در سازوکار مورد توافق اخلاص ایجاد کرده است. عراقچی با اشاره به بند پنجم این تفاهم‌نامه گفت، ایران اجرای تعهدات خود را آغاز کرده بود و قرار بود، طرف یک



نئوتوماسی تحلیلی

آنتونی کنی فیلسوف و مورخ تاریخ اندیشه درگذشت



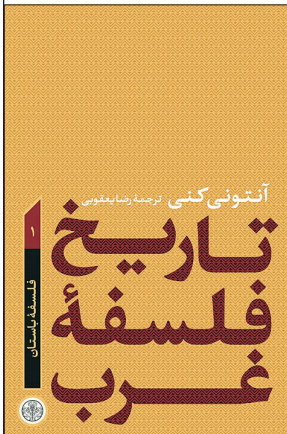
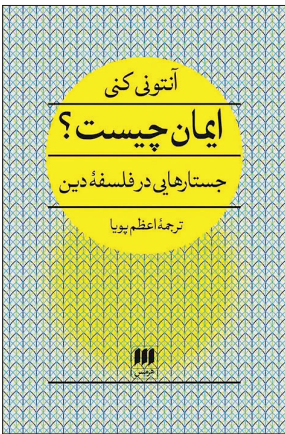
سر جان پاتریک آنتونی کنی، استاد بازنشسته فلسفه در دانشگاه آکسفورد که به‌خاطر آثارش در زمینه فلسفه ذهن و تاریخ فلسفه شناخته شده و از بنیان‌گذاران نئوتوماس‌گرایی تحلیلی به‌شمار می‌آید، چند روز پیش، ۳ اوت (۱۲ مرداد) در ۹۵ سالگی درگذشت.

آنتونی کنی، فرزند جان و مارگارت (جونز) کنی، ۱۶ مارس ۱۹۳۱ در لیورپول متولد شد. ابتدا به‌عنوان یک کشیش کاتولیک رومی در کالج انگلیسی ونرابل آموزش دید و در آنجا لیسانس الهیات دریافت کرد و در سال ۱۹۵۵ به مقام کشیشی رسید و به‌عنوان کشیش در لیورپول (۱۹۵۹-۱۹۶۳) خدمت کرد.

کنی که مدرک دکترای فلسفه خود را در سال ۱۹۶۱ از دانشگاه آکسفورد دریافت کرده بود، به‌عنوان استادیار در دانشگاه لیورپول (۱۹۶۱-۱۹۶۳) نیز مشغول به کار بود و در طول سال‌های ۱۹۶۳-۱۹۶۴، مدرس فلسفه در کالج‌های اکستر و تربیتی آکسفورد بود و از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۸ عضو کالج بالیول، آکسفورد و در دوره‌های ۱۹۷۱-۱۹۷۲ و ۱۹۷۶-۱۹۷۸ مدرس ارشد بود. او از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۹ استاد بالیول و متعاقباً عضو افتخاری بود. کنی از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ عضو هیأت‌مدیره کتابخانه بریتانیا و از سال ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۶ رئیس آن بود. او هم‌چنین مدرس گیفورد در دانشگاه ادینبورگ (۱۹۷۲-۱۹۷۳) و در دانشگاه گلاسگو (۱۹۸۸)، مدرس استانتون در دانشگاه کمبریج (۱۹۸۰-۱۹۸۳) و مدرس بامپتون در دانشگاه کلمبیا (۱۹۸۳) بود

آنتونی کنی کتاب «دستور زبان فلسفی» لودویگ ویتگنشتاین را که در سال ۱۹۷۴ منتشر شد، به انگلیسی ترجمه کرد. اگرچه کنی عمیقاً به آموزه‌های سنتی کاتولیک علاقه‌مند بود و همچنان به‌طور محدود در مراسم عشاء ربانی کاتولیک شرکت می‌کرد، اما صریحاً خود را یک ندانم‌گرا معرفی کرد. او در کتاب «ایمان چیست؟» (۱۹۹۲)، به «این پرسش می‌پردازد که آیا باور به خدا و ایمان به جهانی الهی، یک حالت ذهنی معقول یا عقلانی است.

آنتونی کنی نویسنده مقالات و کتاب‌های متعددی است و برخی از کتاب‌های شناخته‌شده‌تر او عبارتند از: «دکارت» (۱۹۶۸)، «پنج راه: براین توماس آکویناس بر وجود خدا» (۱۹۶۹)، «ویتگنشتاین» (۱۹۷۳)، «آکویناس» (۱۹۸۰)، «آنچه باور دارم» (۲۰۰۶) و «تاریخ جدید فلسفه غرب» (۲۰۱۰). در طول دهه ۲۰۰۰، کنی «تاریخ فلسفه غرب» را نوشت که در چهار بخش از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ منتشر شد: این چهار کتاب در سال ۲۰۱۰ با عنوان «تاریخ جدید فلسفه غرب» منتشر شدند. مجله «فرست تینگر» این کتاب را بهترین تاریخ فلسفه تک‌مؤلف بعد از تاریخ فلسفه کاپلستون دانست و به اذعان خود آنتونی کنی، تاریخ فلسفه‌اش چیزی است بین تاریخ فلسفه کاپلستون و تاریخ فلسفه برتراند راسل که هم از روانی و سادگی تاریخ فلسفه راسل برخوردار است و هم هم‌چون تاریخ فلسفه کاپلستون تحقیقی و جامع است. کتاب پارسه این چهار جلد را با ترجمه رضا یعقوبی منتشر کرده است. یعقوبی هم‌چنین دو کتاب «ایمانوتل کانت» و «روشنگری» را از او ترجمه کرده است. نشر هرمس هم «ایمان چیست؟ جستارهایی در فلسفه دین» کنی را با ترجمه اعظم پویا منتشر کرده است. «معماری زبان و ذهن در فلسفه ویتگنشتاین» و «آکویناس و فلسفه ذهن» را هم محمدرضا اسمخانی و علی سنائی ترجمه کرده‌اند. «تامس مور» کنی هم با ترجمه عبدالله کوثری منتشر شده است.



درباره زخم‌های تاریخی

گزارش رونمایی رمان به‌خاطر یک نخ سیگار نوشته مهدی فاتحی

مراسم رونمایی رمان «به‌خاطر یک نخ سیگار» نوشته مهدی فاتحی با حضور جمعی از نویسندگان، هنرمندان و علاقه‌مندان ادبیات، ازجمله محمد قاند و داریوش مودیبیان، برگزار شد. در این مراسم مهدی یزدانی‌خرم، خوشه شایان، سعید ذهنی و مسعود بربر دربارهٔ این رمان و جایگاه آن در کارنامه ادبی فاتحی سخن گفتند و نویسنده نیز بخشی از رمان را برای حاضران خواند. در ابتدای مراسم، مسعود بربر با اشاره به سوابق ادبی و فرهنگی مهدی فاتحی، استمرار فعالیت او در طول حدود دو دهه در داستان‌نویسی، روزنامه‌نگاری ادبی و سینمایی و آموزش را ارزشمند دانست و به جوایز ادبی، تألیف کتاب‌ها، ترجمه‌ها و مقالات او اشاره کرد. پس از آن فاتحی بخشی از «به‌خاطر یک نخ سیگار» را خواند؛ فصلی که شخصیت داستان پس از تولد در آبادان، در میان آشوب، جنگ و مهاجرت قرار می‌گیرد. او با اشاره به وضعیت امروز و زخم‌های تاریخی نسل خود گفت: «در این رمان، کابوس‌ها ریشه شخصی ندارند؛ آن‌ها از دل تاریخ بیرون می‌زنند. راوی داستان درست در روزی به دنیا می‌آید که سینما رکس آبادان در آتش سوخت.

او میراث‌دار قطعی‌ها، جنگ‌ها، آوارگی‌ها و تروماهای جمعی است».

یزدانی‌خرم: «به‌خاطر یک نخ سیگار» رمان شقاوت است

مهدی یزدانی‌خرم، نویسنده، روزنامه‌نگار و منتقد، با اشاره به فضای ادبی سال‌های اخیر و رواج آثار فله‌ای و بی‌ارزش، «به‌خاطر یک نخ سیگار» را نمونه‌ای از ادبیات جدی و حقیقی دانست و انتشار آن را برای جامعهٔ ادبی

غنیمت توصیف کرد. او با اشاره به این‌که این رمان سال‌ها امکان انتشار در ایران را نداشته است، گفت حیف است آثاری از این دست در زمان خود منتشر نشوند. یزدانی‌خرم این اثر را «رمان شقاوت» نامید؛ رمانی که به اعتقاد او قابل خلاصه شدن نیست. او دربارهٔ دو شخصیت اصلی رمان گفت: «می‌توان آن‌ها را دو شخصیت مستقل یا دو وجه از یک شخصیت واحد دانست؛ یکی از خوابیدن می‌ترسد و با مصرف قهوه تلاش می‌کند بیدار بماند و دیگری در پی خواب است». در میان این دو نیز پیرمردی قرار دارد که به تعبیر یزدانی‌خرم، یادآور پیرمرد خنزرپنذری «بوف کور» هدایت است و به شکلی بر فضای رمان حاکم است.

به گفتهٔ یزدانی‌خرم، «به‌خاطر یک نخ سیگار» از شاخصه‌های رمان‌های اکسپرسیونیستی برخوردار است؛ جریانی که در ادبیات فارسی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. او بی‌رحمی رمان نسبت به رئالیسم و واقعیت را یکی از ویژگی‌های آن دانست و گفت این اثر به خواننده امکان همذات‌پنداری آسان با شخصیت‌ها را نمی‌دهد و فضایی برای «گرم شدن» و آسوده شدن در اختیار او نمی‌گذارد. یزدانی‌خرم هم‌چنین به زبان ویژهٔ فاتحی اشاره کرد و راوی رمان‌های او را «خون‌سرد» دانست؛ راوی‌ای که با وجود خونسردی، ضربات گرنده‌ای وارد می‌کند و در روایتش مانند حرکت قلم یک نقاش اکسپرسیونیست روی بوم، ضربه می‌زند. او پایان‌بندی رمان را استادانه و باشکوه توصیف کرد و گفت پایان اثر چیزی نیست که خواننده هنگام خواندن بتواند به‌راحتی حدس بزند.

او همچنین رمان‌نویسی فاتحی را



گزارش: سینمای ایران

طنین وجدان جمعی

درباره نمایش فیلم ایرانی «ناتور دشت» در جشنواره بوربانک

«ناتور دشت» ساخته محمدرضا خردمندان، در حالی که جشنواره بین‌المللی فیلم بوربانک به نمایش درآمد که این فیلم ایرانی، با تکیه بر یک داستان جنایی-اجتماعی، جست‌وجوی یک دختر گمشده را به بستری برای طرح پرسش‌هایی درباره مسئولیت فردی، اعتماد اجتماعی و نسبت میان وظیفه خانوادگی و مسئولیت در برابر جامعه تبدیل می‌کند؛ فیلمی که در کنار تحسین بازی‌ها و فیلم‌برداری، از سوی منتقد خارجی به دلیل تعدد خرده‌داستان‌ها و برخی افت‌های ریتم نیز مورد نقد قرار گرفته است. فیلم سینمایی «ناتور دشت» ساخته محمدرضا خردمندان، روز پنجم اوت ۲۰۲۶ در جشنواره بین‌المللی فیلم بوربانک در ایالت کالیفرنیا به نمایش درآمد. حضور این فیلم در یکی از رویدادهای سینمای مستقل آمریکا، فرصتی برای دیده شدن تازه‌ترین ساخته خردمندان در برابر مخاطبانی خارج از فضای سینمای ایران فراهم کرده است. آنچه این حضور را قابل‌توجه‌تر می‌کند، انتشار نقدی درباره فیلم در «هالیوود تایمز» است؛ نقدی که ضمن معرفی داستان و عوامل فیلم، بخش مهمی از توجه خود را به بازی هادی حجازی‌فر، میرسعید مولویان و شبنم قربانی، فیلم‌برداری مرتضی غفوری و ظرفیت‌های نمادین اثر اختصاص داده است. «ناتور دشت» در نخستین نمایش خود در ایران نیز فیلمی متفاوت در کارنامه محمدرضا خردمندان بود. این فیلم که محصول سال ۲۰۲۵ است و فیلم‌نامه آن را محمدرضا خردمندان و حمید اکبری خامنه نوشته‌اند، نخستین‌بار در چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر در ۳۱ ژانویه ۲۰۲۵ به نمایش درآمد. هادی حجازی‌فر، میرسعید مولویان، شبنم قربانی، علی صالحی، سعید آقاخانی و علی مصفا از بازیگران فیلم هستند.

دختر گمشده و آغاز یک جست‌وجو

داستان فیلم در یکی از مناطق روستایی استان گلستان می‌گذرد؛ جایی که زندگی آرام یک خانواده با ناپدید شدن ناگهانی یک دختر بچه دگرگون می‌شود. فیلم در آغاز، تصویری آرام و روستایی از زندگی ارائه می‌کند. دختر خردسال در حال ساختن یک قایق کاغذی است تا آن را در آب رها کند و پدر معلولش که تنها یک پای سالم دارد، مشغول پاک کردن زباله‌ها و خاشاک از برکه‌ای در زمین محل زندگی‌شان است. اما این آرامش خیلی‌زود از بین می‌رود. دختر ناپدید می‌شود و پدر، وحشت‌زده، برای پیدا کردن او کمک می‌خواهد. در این نقطه، شخصیت احمد پیران وارد داستان می‌شود؛ محیط‌بان و فعال محیط‌زیست بازنشسته‌ای که با بازی هادی حجازی‌فر به یکی از محورهای اصلی فیلم تبدیل شده است. احمد در آستانه سفر به تهران است تا در مسابقه

به‌شدت ضدنوستالژی دانست؛ چه در مواجهه با مکان و چه در مواجهه با زمان. یزدانی‌خرم فضای ذهنی فاتحی را برآمده از فضای ملتهب دهه ۸۰ توصیف کرد و او را نویسنده‌ای جدی دانست که برخلاف جریانی که برای جلب مخاطب تلاش می‌کند، مسیر خود را دنبال می‌کند و به ساختار و روایت اکسپرسیونیستی وفادار است. به اعتقاد یزدانی‌خرم، فاتحی تاریخ زیسته خود را با شقاوت، بی‌رحمی و نفرت روایت می‌کند و از حقیقت‌گریزی ندارد. او هم‌چنین گفت‌وگوی مداوم فاتحی با هدایت، بهرام صادقی و دیگر نویسندگان جدی ادبیات پیش از خود را از عوامل اهمیت آثار او دانست و تأکید کرد ادیبانی که با گذشته و پیشینه خود گفت‌وگو نکنند، ادیبانی اِتر است.

خوشه شایان: کابوس‌های مرا نوشته بود

خوشه شایان، نقاش و مجسمه‌ساز، با اشاره به آغاز متفاسوت و خاص رمان گفت: «فاتحی در همان ابتدای اثر خواننده را در موقعیتی قرار می‌دهد که نمی‌داند خواب می‌بیند یا بیدار است، راوی کدام شخصیت است و اساساً با دو نفر مواجه است یا یک نفر». به گفتهٔ او، راوی به شکلی خودآزارانه هم از رنج و کابوس خود لذت می‌برد و هم از آن می‌گریزد. شایان با اشاره به حضور مسائل اجتماعی و وقایع دهه‌های ۸۰ و ۹۰ در رمان گفت: «هنگام خواندن اثر احساس کردم نویسنده کابوس‌های مرا نوشته است». به گفتهٔ او بسیاری از اتفاقات رمان چنان آشنا بوده‌اند که گویی برای خودش رخ داده‌اند. شایان با تأکید نظر یزدانی‌خرم دربارهٔ پیوند رمان با تاریخ ادبیات ایران، از حضور و تأثیر آثاری چون «خوابگرد» گلشیری، «تاریکخانه» هدایت و «ملکوت» بهرام صادقی در جهان رمان سخن گفت. خوشه شایان هم‌چنین بی‌زمانی و بی‌مکانی اثر را از ویژگی‌های آن

فوتبال پسرش حضور داشته باشد، اما با دیدن شرایط روستا تصمیم می‌گیرد سفر خود را لغو کند و در جست‌وجوی دختر مشارکت داشته باشد. همین تصمیم ساده، هسته اخلاقی فیلم را شکل می‌دهد: آیا انسان باید در شرایطی که مسئولیت خانوادگی دارد، از کنار یک بحران اجتماعی عبور کند یا وظیفه‌ای بزرگ‌تر در قبال دیگران برعهده بگیرد؟ احمد پیران انتخاب خود را انجام می‌دهد و به‌تدریج به رهبر عملیات جست‌وجو تبدیل می‌شود. از همین منظر، فیلم تلاش می‌کند فراتر از یک داستان درباره گم شدن یک کودک حرکت کند. دختر گمشده در روایت، بهانه‌ای برای بررسی مفهوم مسئولیت و شکل‌گیری یک واکنش جمعی است. جست‌وجوی او به‌تدریج از یک اقدام محدود خانوادگی به یک عملیات اجتماعی گسترده تبدیل می‌شود.

شکل‌گیری یک جست‌وجوی جمعی

یکی از نقاط جذاب روایت، ورود یک نوجوان روستایی مسلط به شبکه‌های اجتماعی است. او احمد پیران را متقاعد می‌کند و یدنوی یک‌دقیقه‌ای برای درخواست کمک ضبط کند. ویدئو در فضای مجازی منتشر و فراگیر می‌شود و در پی آن، گروه‌های امدادی حرفه‌ای و تعداد زیادی داوطلب برای پیدا کردن دختر وارد منطقه می‌شوند. فیلم در این بخش، فناوری را نه صرفاً به‌عنوان عنصر تزئینی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای شکل دادن به یک واکنش اجتماعی وارد داستان می‌کند. نوجوانی که در ابتدا شخصیتی فرعی به‌نظر می‌رسد، به یکی از عوامل مؤثر در گسترش عملیات تبدیل می‌شود. او حتی با استفاده از کایت خود تلاش می‌کند منطقه را از بالا بررسی کند تا اینکه بالاگرد دولتی برای جست‌وجوی دقیق‌تر وارد عمل می‌شود. این بخش از فیلم، تصویری از قدرت ارتباطات جدید و شکل‌گیری اعتماد جمعی ارائه می‌دهد؛ جایی که یک پیام کوتاه می‌تواند افراد بسیاری را درگیر مسئله‌ای کند که در ابتدا تنها مشکل یک خانواده و یک روستا بوده است.

احمد پیران در برابر ایهان

در کنار خط اصلی جست‌وجوی دختر، فیلم داستان شخصیت ایهان را نیز دنبال می‌کند؛ مردی که برای احمد پیران کار می‌کند و گذشته‌ای پر مسئله دارد. ایهان که سابقه اعتیاد داشته، با کمک احمد صاحب شغل شده است. او قطعه زمینی را از پدرش به ارث برده و تلاش می‌کند با فروش آن، پول مورد نیاز برای ازدواج با زن مورد علاقه‌اش را فراهم کند. اما شخصیت ایهان به‌تدریج از یک مرد گرفتار مشکلات مالی به شخصیتی مشکوک و تهدیدآمیز تبدیل



گزارش: سینمای جهان

نبرد دو غول میلیاردی

عبور داستان اسباب‌بازی ۵ از جانی دپ

دو فیلم پرفروش دیزنی، طی چند روز گذشته در جدول فروش سینما با یکدیگر رقابت نزدیکی داشته‌اند؛ هر دو فیلم دنباله‌هایی از مجموعه‌های سینمایی خود هستند و هر دو نیز از مرز فروش یک میلیارد دلار عبور کرده‌اند. میزان فروش تجاری تنها یکی از معیارهای سنجش تأثیرگذاری یک فیلم است، اما می‌تواند شاخص قابل‌اعتمادی برای پیش‌بینی موفقیت‌های آینده باشد. جانی دپ در دهه ۲۰۰۰ خود را به‌عنوان یک چهره پول‌ساز تثبیت کرد و نام او به‌تتهایی می‌توانست مخاطبان را به سالن‌های سینما بکشاند. او در سال ۲۰۰۶ با یک فیلم ماجراجویانه و اکشن این موضوع را به‌خوبی ثابت کرد؛ فیلمی که اکنون یک دنباله دیگر از دیزنی از آن عبور کرده است. دپ پیش از آن نیز خود را به‌عنوان بازیگری جدی تثبیت کرده بود و در فیلم‌هایی مانند «جوخه»، «دانی براسکو»، «ترس و نفرت در لاس‌وگاس» و «چه چیزی گیلبرت گریپ را آزار می‌دهد؟» بازی‌های برجسته‌ای ارائه داده بود. او همچنین با بازی در نقش‌های نامتعارف و عجیب، ازجمله در «ادوارد دست‌قچی» در دهه ۱۹۹۰ خود را از دیگر بازیگران هم‌نسل‌اش متمایز کرد. با این حال، شاید مشهورترین نقش او در سال ۲۰۰۳ در فیلم «دزدان دریایی کارائیب: نفرین مروارید سیاه» شکل گرفت؛ فیلمی که با توجه به شکست بسیاری از آثار پیشین درباره دزدان دریایی، موفقیت آن تا حدی غیرمنتظره بود. «نفرین مروارید سیاه» به موفقیتی عظیم دست یافت و یکی از عوامل مهم آن شخصیت اصلی فیلم بود. جک اسپارو با بازی دپ به این دلیل تا این اندازه جذاب بود که کلیشه‌های معمول قهرمان‌پردازی را برهم می‌زد.

شخصیت نمادین جانی دپ



«نفرین مروارید سیاه» با بودجه‌ای ۱۴۰ میلیون دلاری، ۶۵۴.۳ میلیون دلار در سراسر جهان فروخت و همین موفقیت باعث شد دیزنی ساخت «دزدان دریایی کارائیب: صندوق مرد مرده» را در دستور کار قرار دهد.

فیلم دوم داستانی مجموعه را با افزودن

عناصر تاریخی و اسطوره‌ای گسترش داد. جک اسپارو که در فیلم نخست قرار بود شخصیتی فرعی باشد، در قسمت دوم نقش بسیار پررنگ‌تری پیدا کرد. دپ نیز با تغییر برداشت اولیه از این شخصیت، او را به‌نوعی «ستاره راک دنیای دزدان دریایی» تبدیل کرد؛ شخصیتی که چیزی فراتر از یک عنصر صرفاً کمدیک بود. این رویکرد جواب داد و «صندوق مرد مرده» به موفقیتی چشمگیر تبدیل شد. این فیلم با بودجه ۲۲۵ میلیون دلاری، بیش از ۱.۰۶۶ میلیارد دلار در سراسر جهان فروش داشت. در همین دوران، دیزنی توسعه قسمت بعدی مجموعه «داستان اسباب‌بازی» را نیز سرعت بخشیده بود؛ مجموعه‌ای که در سال ۲۰۰۶ دیگر به یک برند قدرتمند تبدیل شده بود. انتشار «داستان اسباب‌بازی ۳» یازده سال طول کشید، اما استقبال از آن فوق‌العاده بود و فروش جهانی این فیلم از مجموع فروش دو قسمت نخست یعنی «داستان اسباب‌بازی» و «داستان اسباب‌بازی ۲» نیز فراتر رفت. موفقیت «داستان اسباب‌بازی ۳» زمینه را برای ساخت دو دنباله دیگر فراهم کرد و دیزنی در سال ۲۰۲۳ رسماً تأیید کرد که «داستان اسباب‌بازی ۵» در دست ساخت است. این فیلم از همان ابتدا رکوردهای فروش مجموعه را جابه‌جا کرد و در نهایت با بودجه ۲۵۰ میلیون دلار، به فروش ۱.۰۷ میلیارد دلاری رسید.

پرفروش‌ترین قسمت داستان اسباب‌بازی

«داستان اسباب‌بازی ۵» در حال‌حاضر با اختلافی اندک از «صندوق مرد مرده» پیشی گرفته است، اما نکته مهم این است که فیلم همچنان روی پرده سینماهاست. این فیلم شانس زیادی دارد که به پرفروش‌ترین قسمت تاریخ مجموعه «داستان اسباب‌بازی» تبدیل شود و تنها به حدود چهار میلیون دلار فروش بیشتر نیاز دارد تا از «داستان اسباب‌بازی ۴» عبور کند. دست‌کم، موفقیت «داستان اسباب‌بازی ۵» راه را برای ساخت قسمت‌های بعدی این مجموعه باز کرده است. در مقابل، مجموعه «دزدان دریایی کارائیب» در قسمت‌های بعدی با کاهش تدریجی فروش مواجه شد. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که دیزنی ساخت ششمین قسمت این مجموعه را در اولویت قرار داده است؛ اتفاقی که ۹ سال پس از اکران «دزدان دریایی کارائیب: مردگان حکایت نمی‌کنند» رخ می‌دهد. هنوز مشخص نیست فیلم جدید یک بازسازی است یا ادامه داستان. البته هنوز مشخص نیست قسمت بعدی «دزدان دریایی کارائیب» بدون حضور نمادین‌ترین شخصیت مجموعه تا چه اندازه می‌تواند موفق باشد. همین مسئله ممکن است تهدیدی برای آینده مجموعه «داستان اسباب‌بازی» نیز باشد. «داستان اسباب‌بازی ۵» نشانه‌هایی از آغاز دوره‌ای تازه را ارائه داده که تمرکز آن بر شخصیت‌های جدید است؛ موضوعی که می‌تواند به کنار رفتن وودی با صدایشگی تام هنکس و باز لایتنیر با صدایشگی تیم آلن در قسمت‌های آینده منجر شود. هنکس که اکنون ۷۰ سال دارد، درباره بازگشت دوباره به نقش وودی ابراز نگرانی کرده است؛ هرچند گفته راهی وجود دارد که بتواند این شخصیت را برای همیشه بازی کند.



گفتن دارد. بربر یکی از چالش‌های داستان‌نویسی معاصر را بی‌توجهی به «مکان» دانست و گفت در بسیاری از آثار، تمرکز اصلی بر فرم و زمان است، در حالی که این رمان توجه ویژه‌ای به مکان دارد. جابه‌جایی‌های مکانی، مکان‌دودگی و تنوع مکان‌ها در اثر، به گفته او، با مهارت انجام شده و بر شخصیت‌ها تأثیر می‌گذارد. او شخصیت‌پردازی رمان را نیز پیچیده و چندوجهی توصیف کرد و گفت تجربه‌ای که شخصیت در طول داستان از سر می‌گذرانند، چنان دهشتناک و در عین حال جذاب و تأثیرگذار است که تنها از طریق تجربه خواندن می‌توان ابعاد مختلف آن را دریافت. بربر در ادامه به دو جریان در تاریخ داستان‌نویسی ایران اشاره کرد: «جریانی در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ که بیش از فرم و تکنیک، بر ترویج تفکری خاص تأکید داشت و در مقابل، جریانی که بعدها در واکنش به آن شکل گرفت و گاه پیچیدگی و فرم را به هدفی مستقل تبدیل کرد؛ آثاری که هیچ‌کدام ماندگار نشدند. مهدی فاتحی با تجربه‌ای که از ادبیات پیش از خود دارد، رمانی نوشته که در هر دو سوی محتوا و فرم، موفق و پذیرفتنی است». بربر در پایان، «به‌خاطر یک نخ سیگار» را نمونه‌ای موفق از درهم‌تنیدگی فرم و محتوا دانست؛ رمانی که از یک‌سو در سطح تکنیک روایی لذت خواندن ایجاد می‌کند و از سوی دیگر دارای عمق هستی‌شناسانه و پدیدارشناسانه است؛ ویژگی‌ای که به گفته او در بسیاری از آثار منتشرشده امروز کمتر دیده می‌شود. رمان «به‌خاطر یک نخ سیگار» نوشته مهدی فاتحی، پیش‌تر با عنوان «سیگارپیچ» منتشر شده بود و اکنون با انتشار تازه توسط نشر هفت اقلیم هنر در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.

که قاب‌هایش او را به‌یاد جهان دیوید لینچ می‌اندازد؛ جهانی که در آن مرز خواب و بیداری، واقعیت و وهم، پیوسته جابه‌جا می‌شود. به گفته ذهنی، شخصیت‌ها جهان را از زاویه دید خود تجربه می‌کنند و خواننده را نیز به همان جهان می‌برند؛ نه برای این‌که حقیقت را پیدا کند، بلکه برای این‌که آن را تجربه کند. ذهنی با مقایسه رمان با تاتار گفت در این اثر نیز آن‌چه دیده نمی‌شود، گاه مهم‌تر از چیزی است که دیده می‌شود. ناگفته‌ها، سکوت‌ها، فاصله‌ها و حتی تاریکی بخشی از روایت‌اند و نویسنده با توضیح ندادن همه‌چیز، به خواننده اعتماد می‌کند. او فضا را در این رمان نه صرفاً پس‌زمینه، بلکه شخصیتی مستقل دانست و گفت گاهی احساس کرده شخصیت‌ها در دل تاریکی حرکت نمی‌کنند، بلکه خود تاریکی است که آن‌ها را با خود حرکت می‌دهد. ذهنی در پایان گفت برخی آثار را نمی‌توان فقط خواند، بلکه باید در آن‌ها زندگی کرد و «به‌خاطر یک نخ سیگار» برای او از همین جنس است؛ اثری که تجربه‌ای سینمایی، نمایشی و موسیقایی را در قالب رمان به وجود آورده است.

مسعود بربر: موفقیت در فرم و محتوا

مسعود بربر، نویسنده و منتقد، در بخش پایانی نشست، با تأکید بر اهمیت «به‌خاطر یک نخ سیگار» در ادبیات معاصر گفت می‌خواهد از چرایی اهمیت این رمان سخن بگوید. او چهار رکن را برای داستان برشمرد: جهان، شخصیت، حادثه و شیوه روایت حادثه. به اعتقاد بربر، بسیاری از آثار خوب ادبیات فارسی تنها در یکی از این ارکان موفق‌اند، اما «به‌خاطر یک نخ سیگار» در هر چهار زمینه حرفی برای

دانست. هرچند بخش‌هایی از داستان در تهران می‌گذرد و شخصیت در جایی از رمان به اندونزی می‌رود، اما به گفته او، فضای وهم و خیال و نگاه راوی اجازه نمی‌دهد هیچ مکان و رویدادی کاملاً در شکل حقیقت بیرونی تثبیت شود. او فضای رمان را با برخی فیلم‌ها و رمان‌های وهم‌آلود معاصر و وضعیت‌های آخ‌الزمانی مقایسه کرد و گفت بسیاری از حوادثی که در رمان با لحنی رئال و خون‌سرد روایت می‌شوند، برای او یادآور تجربه موشک‌باران تهران در دوران کودکی و همچنین مصائب دوران کرونا بوده‌اند. شایان در پایان، «به‌خاطر یک نخ سیگار» را رمانی تلخ اما خواندنی توصیف کرد؛ اثری که به اعتقاد او حاصل رنج و عرق‌ریزان نویسنده است، به‌ویژه در دوره‌ای که آثار سطحی و ساده‌نگارانه به شهرت می‌رسند. او با اشاره به این دیدگاه ویرچینیا وولف که صداقت ستون فقرات نویسنده است، صداقت فاتحی در مواجهه با وقایع را از نقاط قوت اثر دانست. او همچنین طراحی جلد اکسپرسیونیستی کتاب، اثر حمید فاتح، و هماهنگی آن با فضای اکسپرسیونیستی رمان را اقدامی ارزشمند از سوی نشر هفت اقلیم هنر دانست.

سعید ذهنی: رمانی از جنس فیلم‌های دیوید لینچ

سعید ذهنی، آهنگ‌ساز و کارگردان تئاتر، سخنان خود را با تأکید بر این‌که منتقد ادبی نیست آغاز کرد و گفت «به‌خاطر یک نخ سیگار» را از منظر یک آهنگ‌ساز و کارگردان تئاتر خوانده است؛ کسی که جهان را با ریتم، صدا، سکوت، نور، حرکت و میزانشن تجربه می‌کند. او گفت هنگام خواندن رمان، بیشتر احساس کرده وارد یک فیلم شده است؛ فیلمی

درونی آنها را فراهم می‌کنند. نورپردازی سرد و خاکستری فیلم نیز در ایجاد فضای دلهره‌آور داستان مؤثر است. طراحی صحنه و لباس، به‌ویژه لباس زنان، تصویری ساده و واقع‌گرایانه از زندگی روستایی ارائه می‌کند و حال‌وهوایی نزدیک به مستند به فیلم می‌بخشد. موسیقی حامد ثابت نیز بدون تکیه مستقیم بر ملودی‌های محلی، فضایی جهان‌شمول برای درام ایجاد کرده است. طراحی صدای حسین ابوالصدق در صحنه‌های جست‌وجوی شبانه در مزارع ذرت نیز به ایجاد اضطراب و تنش کمک می‌کند.

تمرکز بر سینمای مستقل

جشنواره بین‌المللی فیلم بوربانک که میزبان «ناتور دشت» بوده، در شهر بوربانک ایالت کالیفرنیا برگزار می‌شود؛ شهری که به دلیل حضور مجموعه‌ای از استودیوها و شرکت‌های بزرگ سینمایی و تلویزیونی، یکی از مراکز مهم صنعت سرگرمی آمریکا محسوب می‌شود. این جشنواره یک سازمان غیرانتفاعی کالیفرنیایی است که تحت‌عنوان شرکت معاف از مالیات فعالیت می‌کند. هیأت مشاوران و هیأت‌مدیره آن از متخصصان صنعت سینما و مدیران تولید تشکیل شده و جشنواره اعلام کرده که بسیاری از داوران، اعضای کمیته‌های انتخاب و داوطلبان آن نیز از فعالان حرفه‌ای سینما و تلویزیون هستند. بوربانک در مأموریت رسمی خود بر حمایت از دیدگاه‌های متنوع فرهنگی، فیلم‌سازان مستقل، استعدادهای نوظهور و داستان‌های منحصربه‌فرد تأکید دارد و از طریق نشست‌های پرش و پاسخ، پنل‌ها، گردهمایی‌های حرفه‌ای و رویدادهای ویژه فیلم‌سازان، در طول سال امکان ارتباط میان فیلم‌سازان و فعالان صنعت را فراهم می‌کند.

دوره ۲۰۲۶: بیش از ۱۲۰ نمایش فیلم

دوره ۲۰۲۶ جشنواره از دوم تا هشتم اوت برگزار می‌شود و محل اصلی نمایش فیلم‌ها سالن سینمای «ای‌ام‌سی بوربانک ۱۶» است. برنامه این دوره شامل بیش از ۱۲۰ نمایش فیلم، نشست‌های پرسش و پاسخ، پنل‌های تخصصی، مراسم فرش قرمز، جوایز تماشاگران و برنامه‌های ویژه فیلم‌سازان است. مراسم اختتامیه نیز هشتم اوت همراه با شام و اهدای جوایز برگزار می‌شود. جشنواره در بخش‌های مختلف، فیلم‌های بلند و کوتاه داستانی، مستند، انیمیشن، کمدی، درام، آثار ژانری، فیلم‌نامه و قسمت آزمایشی مجموعه‌های تلویزیونی را می‌پذیرد و بیش از ۳۰ جایزه در بخش‌های مختلف اهدا می‌کند. بخشی از جوایز نیز به موضوعاتی مانند فراگیری، آگاهی اجتماعی و تنوع فرهنگی اختصاص دارد. البته جایگاه بوربانک را نباید با جشنواره‌های رده اول جهانی مانند کن، ونیز، برلین، ساندنس یا تورنتو یکسان دانست. با این حال، این جشنواره نیز یک رویداد صرفاً محلی و کم‌اهمیت محسوب نمی‌شود. بوربانک به دلیل قرار گرفتن در قلب صنعت فیلم و تلویزیون کالیفرنیا، موقعیتی ویژه برای ارتباط سینمای مستقل با فضای حرفه‌ای هالیوود دارد. از این منظر، حضور «ناتور دشت» در این جشنواره را می‌توان یک فرصت قابل‌توجه برای عرضه بین‌المللی فیلم دانست؛ فیلمی که داستانی کاملاً بومی را از روستاهای گلستان به مخاطبانی در خارج از ایران ارائه می‌کند و تلاش دارد از دل یک ماجرای گم شدن یک کودک، به مسئله‌ای جهان‌شمول‌تر برسد: مسئولیت انسان در برابر دیگری و جست‌وجوی وجدان جمعی. در نهایت، «ناتور دشت» اگرچه در فیلم‌نامه خود با مشکل تعدد خرده‌داستان‌ها و افت ریتم در برخی بخش‌ها مواجه است، اما ترکیب بازی‌های قدرتمند، فضای بومی، فیلم‌برداری چشمگیر و لایه‌های اجتماعی و نمادین، آن را به اثری تبدیل کرده که می‌تواند فراتر از مرزهای جغرافیایی محل وقوع داستان با مخاطب ارتباط برقرار کند.



می‌شود. او می‌خواهد زن مورد علاقه‌اش را با خود همراه کند و به تهران برود و در این مسیر با افرادی مشکوک ارتباط پیدا می‌کند. میر‌سعید مولویان در نقش ایهان یکی از بازی‌های مورد توجه فیلم را ارائه کرده است. منتقد «هالیوود تایمز» او را شخصیتی پیچیده و چندلایه توصیف کرده و معتقد است تیک‌های عصبی و نگاه نافذ مولویان باعث شده ایهان هم‌زمان ترسناک و قابل‌ترحم به‌نظر برسد. در مقابل، هادی حجازی‌فر در نقش احمد، شخصیتی آرام، مسئول و قابل اعتماد را شکل داده است. احمد در این خواشن، نماینده وجدان بیدار جامعه است و ایهان نماد تاریکی درونی انسان. تقابل این دو شخصیت، بنابراین، تنها یک درگیری داستانی نیست، بلکه در سطحی نمادین به تقابل خیر و شر در وجود انسان اشاره دارد. شبنم قربانی نیز در نقش زن مورد علاقه ایهان، حضوری تأثیرگذار دارد. زنی که یک دختر از ازدواج قبلی دارد و مراقبت از پدر سالخورده‌اش را مهم‌ترین وظیفه خود می‌داند، میان خواست شخصی و مسئولیت خانوادگی گرفتار شده است.

نقطه قوت و ضعف

فیلم‌نامه «ناتور دشت» نوشته محمدرضا خردمندان و حمید اکبری‌خامنه، از نظر منتقد خارجی دارای نقاط قوت قابل‌توجهی است، اما در عین‌حال از تعدد خرده‌داستان‌ها آسیب می‌بیند. یکی از نمونه‌های مورد اشاره، خط داستانی مربوط به شخصیت سعید آقاخانی است. او مردی میانسال است که سابقه همکاری با احمد پیران را دارد و مجموعه‌ای غیرقانونی از پرندگان شکاری را در قفس‌هایی در حمام خانه خود نگهداری می‌کند. مواجهه احمد با او و درگیری میان دو شخصیت، به‌عنوان یک صحنه مستقل جذاب است، اما ارتباط آن با خط اصلی داستان چندان پررنگ نیست و به اعتقاد منتقد، در بعضی لحظات موجب افت ریتم فیلم می‌شود. با این حال، همین تعدد خطوط داستانی را می‌توان تلاشی برای گسترش جهان فیلم و پیوند دادن مسئله گم شدن دختر با مجموعه‌ای از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی دانست؛ رویکردی که البته خطر پراکنده شدن تمرکز روایی را نیز به همراه دارد.

طبیعت گلستان به‌عنوان یکی از شخصیت‌های فیلم

فیلم‌برداری مرتضی غفوری از مهم‌ترین نقاط قوت «ناتور دشت» است. فیلم در بخش‌هایی از استان گلستان و در لوکشن‌های واقعی ساخته شده و فیلم‌ساز از طبیعت شمال ایران برای شکل دادن به فضای داستان استفاده کرده است. نماهای باز و طولانی، گستردگی مزارع و طبیعت را به نمایش می‌گذارد و در مقابل، نماهای نزدیک به شخصیت‌ها امکان نزدیک شدن به احساسات و اضطراب

سال نهم شماره ۲۲۹۹ یک‌شنبه ۱۸ مرداد ۱۴۰۵



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

هجوم پول

چرا سرمایه‌گذاران دوباره به بورس هجوم آورده‌اند؟

نسرین خدادادی
گروه اقتصاد

صبح شنبه، پیش از آنکه معاملات بورس تهران آغاز شود یک پرسش مهم پیش روی معامله‌گران قرار داشت: آیا موج صعودی هفته گذشته می‌تواند یک هفته دیگر هم ادامه پیدا کند؟ پاسخ بازار خیلی زود روشن شد. از همان دقایق ابتدایی، سفارش‌های خرید روی تابلو سنگینی کرد، صف‌ها یکی پس از دیگری شکل گرفت و شاخص‌ها با سرعت بالا رفتند. اما شاید مهم‌ترین نشانه تغییر فضای بازار نه در رنگ سبز تابلو بلکه در جابه‌جایی پول‌ها دیده می‌شد؛ هزاران میلیارد تومان از سرمایه حقیقی راهی سهام شد و هم‌زمان بخشی از پول از صندوق‌های درآمد ثابت بیرون آمد. گویی سرمایه‌گذارانی که تا همین چند هفته پیش مهم‌ترین دغدغه‌شان پناه گرفتن در دارایی‌های کم‌ریسک بود اکنون دوباره حاضر شده‌اند، ریسک بورس را بپذیرند. معاملات بورس تهران در روز شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ با ادامه موج قدرتمند تقاضا به پایان رسید. شاخص ۱۱۲ هزار و ۴۴۱ واحد معادل ۲۰۰۸ درصد افزایش یافت و به ۵ میلیون و ۵۲۰ هزار و ۳۴۰ واحد رسید. اما شاید عدد مهم‌تر مربوط به شاخص هم‌وزن باشد. این شاخص با رشد ۲۰۵ درصدی ۳۹ هزار و ۳۴ واحد بالا رفت و در ارتفاع یک میلیون و ۵۷۳ هزار و ۵۹۶ واحد ایستاد.
سبقت شاخص هم‌وزن از شاخص کل یک پیام روشن داشت؛ رونق شنبه محدود به چند شرکت بزرگ و شاخص‌ساز نبود. سهام شرکت‌های کوچک و متوسط نیز به همان اندازه و حتی بیشتر مورد توجه قرار گرفتند. این وضعیت را می‌توان در گستردگی عجیب نمادهای مثبت مشاهده کرد: ۸۱۲ نماد بازار مثبت بودند و تنها ۱۸ نماد در محدوده منفی معامله شدند. به عبارت دیگر سبز شدن بازار این بار بیش از آنکه حاصل حرکت چند غول بورسی باشد یک حرکت تقریباً عمومی بود. نشانه مهم‌تر اما از جریان نقدینگی آمد. در معاملات شنبه بیش از ۹ هزار میلیارد تومان پول حقیقی وارد بازار سهام شد. هم‌زمان حدود ۴ هزار و ۵۴۲ میلیارد تومان از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شد. کنار هم گذاشتن این دو عدد می‌تواند، نشانه‌ای از تغییر رفتار بخشی از سرمایه‌گذاران باشد؛ پولی که تا پیش از این در ابزارهای کم‌ریسک پارک شده بود اکنون بخشی از مسیر خود را به سمت سهام تغییر داده است. رفتار خریداران نیز همین تصویر را تأیید می‌کند.
سمرانه خرید حقیقی‌ها به ۱۱۶۰۲ میلیون تومان رسید، درحالی که سرانه فروش تنها ۵۴۰۴ میلیون تومان بود. در نتیجه، قدرت خرید حقیقی به عدد ۲۰۱۴ رسید؛ یعنی خریداران حقیقی از نظر سرانه بیش از دو برابر فروشندگان قدرت داشتند. صف‌های خرید، تصویر این عطش را کامل کردند. در پایان معاملات ۷۴۳ نماد صف خرید داشتند و تنها ۹ نماد با صف فروش مواجه بودند. ارزش سفارش‌های خرید به رقم قابل توجه ۲۲ هزار و ۳۷۵ میلیارد تومان رسید، درحالی که کل سفارش‌های فروش فقط ۱۷۶ میلیارد تومان بود. چنین فاصله‌ای نشان می‌دهد حتی پس از جهش چندروزه قیمت‌ها، بخش مهمی از تقاضا هنوز موفق به خرید نشده و پشت در بازار باقی مانده است. با این حال ارزش معاملات سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به حدود ۲۰ هزار و ۲۸۷ میلیارد تومان رسید و تغییر محسوسی نسبت به روزهای قبل نداشت. حجم معاملات نیز حدود ۶۲ میلیارد سهم بود. بنابراین یکی از نکاتی که در روزهای آینده باید زیر نظر داشت این است که آیا رشد تقاضا و ورود پول می‌تواند به افزایش پایدار ارزش معاملات نیز منجر شود یا نه. اما شنبه یک اتفاق ویژه هم داشت؛ یکی از بزرگ‌ترین نمادهای بورس پس از حدود ۵/۵ ماه غیبت دوباره به تابلو برگشت. سهام فولاد مبارکه که در پی جنگ چند ماه قبل ایران با آمریکا و اسرنایل و قرار گرفتن خط تولید شرکت در معرض حمله موشکی متوقف مانده بود، سرانجام بازگشایی شد. «فولاد» در بازگشایی با افت حدود ۱۰درصدی کشف قیمت شد. فشار فروش اولیه سنگین بود اما در ادامه خریداران وارد شدند و بخشی از افت قیمت جبران شد. در نهایت قیمت پایانی سهم با کاهش ۸۰۵ درصدی ثبت شد. همین افت کافی بود تا فولاد حدود ۱۴ هزار و ۶۴۰ واحد اثر منفی بر شاخص کل بگذارد. اهمیت این عدد زمانی روشن می‌شود که بدانیم پیش از بازگشایی فولاد، شاخص کل حدود ۱۲۶ هزار واحد رشد کرده بود. بنابراین بازار شنبه را می‌توان از دو زاویه متفاوت دید. از یک سو، بازگشت یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های بورس با افت سنگین همراه شد؛ از سوی دیگر، بازار چنان قدرتی داشت که توانست این فشار را جذب کند و همچنان با رشد بیش از ۱۱۲ هزارواحدهی به کار خود پایان دهد. اکنون مسئله اصلی بورس دیگر فقط سبز بودن تابلو نیست. ورود ۹ هزار میلیارد تومان پول حقیقی، خروج نقدینگی از صندوق‌های درآمد ثابت نسبت بیش از دوبرابری قدرت خریداران به فروشندگان و تشکیل بیش از ۷۰۰ صف خرید همگی از افزایش قابل توجه اشتباهی ریسک حکایت دارند. پرسش مهم هفته پیش‌رو این است که این پول برای یک نوسان کوتاه‌مدت آمده یا بورس تهران پس از دوری طولانی از نااطمینانی در حال تجربه یک تغییر جدی در انتظارات سرمایه‌گذاران است؟

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

پایان عصر نفت

اگر نفت مزیت ایران نباشد، چه چیزی جای آن را می‌گیرد؟

سعید خوش‌بین
گروه اقتصاد

بیش از یک قرن است که نفت در مرکز اقتصاد سیاسی ایران قرار دارد. این ماده بدیوی فسادآفرین برای کشور ما منبع اصلی تأمین ارز، یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت، پشتوانه واردات، موتور سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و صنعتی و درسپاری از دوره‌ها تعیین‌کننده رابطه ایران با اقتصاد جهان بوده است. بسیاری از فراز و فرودهای اقتصاد ایران را نیز می‌توان در نمودار قیمت و نوسان‌های آن مشاهده کرد. وقتی درآمد نفت بالا رفته، دولت بزرگ‌تر خرج کرده، واردات افزایش یافته و پروژه‌های بیشتری آغاز شده است؛ وقتی درآمد نفت کاهش یافته با صادرات محدود شده، کسری بودجه، فشار ارزی و تورم افزایش یافته است. به همین دلیل، تصور اقتصاد ایران بدون نفت برای دهه‌ها تقریباً ناممکن به نظر می‌رسید. اما اکنون پرسش متفاوتی پیش روی ایران قرار گرفته است. اگر در دهه‌های گذشته، مسئله این بود که چگونه باید از درآمد نفت بهتر استفاده کرد، مسئله سال‌های آینده ممکن است این باشد که اگر نفت دیگر مزیت استراتژیک گذشته را نداشته باشد یا به هر دلیلی نتوانیم دیگر نفت بفروشیم، اقتصاد ایران بر چه پایه‌ای باید بنا شود؟ این پرسش به معنای پایان قریب‌الوقوع مصرف نفت نیست. جهان همچنان مقادیر عظیمی نفت و گاز مصرف می‌کند و ایران نیز یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر هیدروکربنی جهان است. بانک جهانی ایران را صاحب چهارمین ذخایر اثبات شده نفت و دومین ذخایر گاز طبیعی جهان معرفی می‌کند. بنابراین نفت و گاز احتمالاً برای سال‌های طولانی همچنان بخشی مهم از دارایی‌های اقتصادی ایران خواهند بود. مسئله اما چیز دیگری است: داشتن ذخایر عظیم زیرزمینی الزاماً به معنای داشتن یک «مزیت اقتصادی پایدار» نیست. مزیت زمانی معنا دارد که بتوان یک منبع را به تولید، صادرات، درآمد، فناوری و رفاه تبدیل کرد. ایران در سال‌های گذشته، بارها تجربه کرده که داشتن نفت با توانایی فروش آزادانه آن یکسان نیست. تحریم، محدودیت سرمایه‌گذاری، دشواری انتقال پول، عقب ماندن فناوری و تنش‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند، ارزش اقتصادی منابع زیرزمینی را به شدت کاهش دهند. تحولات اخیر نیز بار دیگر نشان داده که اختلال در مسیرهای صادراتی می‌تواند، بخش نفت را با محدودیت جدی روبه‌رو کند. در سوی دیگر، جهان انرژی نیز در حال تغییر است. سرمایه‌گذاری عظیمی در انرژی خورشیدی، بادی، ذخیره‌سازی برق و خودروهای برقی صورت گرفته و هزینه بسیاری از فناوری‌های پاک کاهش یافته است. این تحول به این معنا نیست که نفت فردا از اقتصاد جهان حذف می‌شود اما می‌تواند به تدریج قدرت انحصاری کشورهای که مزیت اصلی آنها داشتن ذخایر هیدروکربنی است را کاهش دهد. در چنین جهانی، سوال اساسی برای ایران این است که مزیت بعدی کجاست؟

نخستین پاسخ وسوسه‌انگیز، گاز است. ایران دومین ذخایر بزرگ گاز جهان را دارد و در نگاه اول طبیعی است که عصر پس از نفت را عصر گاز ایران تصور کنیم. گاز می‌تواند خوراک پتروشیمی، سوخت نیروگاه‌ها و مبنای توسعه صنایع انرژی‌بر باشد. اما گاز نیز همان مشکلات نفت را دارد. یعنی سرمایه‌گذاری عظیم، فناوری پیشرفته،

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

سقف نامرئی

انزوای مالی چگونه برای رشد اقتصاد سقف می‌سازد؟

مهتا معرفت
گروه اقتصاد

در بندر، کانتینر آماده حرکت است. فروشنده پیدا شده، خریدار هم حاضر است، قیمت توافق شده و حتی مسیر حمل مشخص است. ظاهراً همه مقدمات یک معامله تجاری فراهم است اما یک حلقه مفقوده می‌تواند، کل معامله را متوقف کند. پول چگونه جابه‌جا شود؟ خریدار چگونه مطمئن باشد که پس از پرداخت، کالا را تحویل می‌گیرد و فروشنده چگونه اطمینان پیدا کند که پس از ارسال محموله پولش را دریافت خواهد کرد؟ اگر بانک معتبر، اعتبار اسنادی، بیمه و تضمین پرداخت در میان نباشد، معامله‌ای که روی کاغذ سودآور است، ممکن است در عمل آن قدر پرهزینه و پریسک شود که اساساً انجام نشود. این همان بخشی از تجارت جهانی است که معمولاً دیده نمی‌شود. کالاها با کشتی و کامیون جابه‌جا می‌شوند اما آنچه حرکت آنها را ممکن می‌کند، شبکه مالی گسترده‌ای است که پشت صحنه فعالیت می‌کند. تجربه ایران طی سال‌های گذشته، نمونه‌ای از اقتصاد در شرایط محدودیت مالی بین‌المللی است. تجارت خارجی متوقف

شبکه انتقال، دسترسی به بازارهای جهانی و روابط پایدار بین‌المللی می‌خواهد. کشوری ممکن است روی یکی از بزرگ‌ترین مخازن گاز جهان نشست‌ه باشد اما اگر نتواند آن را با هزینه رقابتی استخراج و به مشتری مطمئن برساند، ذخیره زیرزمینی به خودی خود مزیت قابل‌توجهی از سنگ‌آهن، مس، روی و دیگر مواد معدنی دارد و از دیرباز معدن به عنوان یکی از گزینه‌های جایگزین نفت مطرح شده است. اما اینجا نیز خطر تکرار همان الگوی نفتی وجود دارد. اگر قرار باشد، نفت خام کمتر صادر کنیم و در عوض سنگ‌آهن، مس یا سایر مواد معدنی خام صادر کنیم، اقتصاد ایران فقط یک منبع طبیعی را با منبع طبیعی دیگری عوض کرده است. مسئله توسعه، تغییر مادهای نیست که از زمین بیرون می‌آید. مسئله ایجاد ارزش افزوده روی زمین است. مطالعات منابع معدنی ایران نیز بر ظرفیت قابل‌توجه این بخش و در عین حال اهمیت سرمایه‌گذاری، فرآوری و توسعه ظرفیت تولید تأکید کرده‌اند.

گزینه سوم انرژی‌های تجدیدپذیر است. ایران از نظر تابش خورشیدی و ظرفیت انرژی بادی موقعیت مناسبی دارد. پژوهش تازه‌ای که گزینه‌های انرژی تجدیدپذیر ایران را از جنبه‌های فنی، اقتصادی، محیط‌زیستی و سیاسی مقایسه کرده، انرژی خورشیدی را در رتبه نخست و باد را پس از آن قرار داده است. بنابراین می‌توان تصور کرد که در آینده، خورشید به یکی از منابع مهم انرژی ایران تبدیل شود. اما خورشید نیز به‌تنهایی «نفت جدید» نیست. پنل خورشیدی، شبکه برق، باتری، تجهیزات و سرمایه لازم دارد. کشوری که فقط آفتاب فراوان دارد الزاماً صادرکننده فناوری یا حتی برق ارزان نخواهد شد.

اینجاست که شاید اساس پرسش باید تغییر کند. شاید اشتباه این باشد که تصور کنیم حتماً باید چیزی پیدا کنیم که جای نفت را بگیرد. کشورهای موفق معمولاً یک کالای جادویی پیدا نکرده‌اند که اقتصادشان را برای همیشه تأمین کند. آنها مجموعه‌ای از مزیت‌ها ساخته‌اند. کره جنوبی نفت نداشت و سامسونگ، هیوندای و صنایع پیشرفته ساخت. سنگاپور منابع طبیعی قابل‌توجهی نداشت و به مرکز تجارت، لجستیک و خدمات مالی تبدیل شد. تایوان به زنجیره جهانی نیمه‌رساناها پیوست. کشورهای دیگری از گردشگری، خدمات، فناوری، صنایع صادراتی یا ترکیبی از آنها استفاده کردند. وجه مشترک آنها پیدا کردن یک منبع طبیعی تازه نبود، ساختن قابلیت تولید بود. از این منظر مهم‌ترین جایگزین نفت ایران نه گاز است، نه معدن، نه خورشید و نه گردشگری. جایگزین واقعی نفت می‌تواند، بهره‌وری انسان ایرانی باشد.

ایران جمعیتی بزرگ، بازار داخلی قابل‌توجه و نیروی کار تحصیل‌کرده دارد. ویژگی‌هایی که بانک جهانی نیز در ارزیابی ظرفیت‌های اقتصاد ایران بر آنها تأکید می‌کند. میلیون‌ها ایرانی در دانشگاه‌ها آموزش دیده‌اند و کشور سابقه طولانی در مهندسی، پزشکی، صنعت، تجارت و کارآفرینی دارد. اگر این سرمایه انسانی بتواند به اقتصاد جهانی متصل شود، ظرفیت تولید ارزش آن می‌تواند بسیار بیشتر از استخراج مواد خام باشد. اما سرمایه انسانی یک تفاوت اساسی با نفت دارد. نفت حتی در یک اقتصاد ناکارآمد نیز تا حدی قابل استخراج است اما سرمایه انسانی نه. انسان ماهر برای تولید ثروت به محیط مناسب نیاز دارد: حقوق مالکیت، ثبات اقتصاد کلان، اینترنت

آزاد و پایدار، امکان ارتباط با جهان، سرمایه، نظام بانکی کارآمد، آزادی ورود و خروج از بازار، رقابت و امید به آینده. اگر این شرایط وجود نداشته باشد، سرمایه انسانی به جای تبدیل شدن به مزیت اقتصادی مهاجرت می‌کند یا بهره‌وری خود را از دست می‌دهد. همین مسئله دربار‌ه موقعیت جغرافیایی ایران نیز صدق می‌کند. ایران در محل اتصال آسیای مرکزی، قفقاز، خلیج فارس، شبه‌قاره و ترکیه قرار گرفته است. روی نقشه این موقعیت می‌تواند، ایران را به یکی از مراکز بزرگ ترانزیت، تجارت و لجستیک منطقه تبدیل کند. اما جغرافیا به خودی خود درآمد ایجاد نمی‌کند. بندر، راه‌آهن، جاده، گمرک کارآمد، روابط تجاری پایدار و امکان نقل‌وانتقال مالی لازم است تا «موقعیت جغرافیایی» به «مزیت اقتصادی» تبدیل شود. کشاورزی نیز وضعیت مشابهی دارد. ایران در برخی محصولات از مزیت تاریخی برخوردار است اما بحران آب نشان می‌دهد که نمی‌توان آینده اقتصاد را بر توسعه کفی کشاورزی آبربر بنا کرد. مزیت آینده احتمالاً در کشاورزی دانش‌بنیان، محصولات با ارزش افزوده بالا، بهره‌وری آب، صنایع غذایی و برندهای صادراتی است. یعنی بار دیگر حرکت از منبع به سمت دانش. حتی صنعت نیز بدون این تغییر نگاه نجات‌بخش نخواهد بود. صنعتی که بقایش به انرژی ارزان، ارز ترجیحی، تعرفه بالا و بازار حفاظت شده داخلی وابسته باشد، جایگزین نفت نیست؛ در واقع شکل دیگری از توزیع رانت نفت است. صنعتی می‌تواند پایه اقتصاد پس از نفت باشد که بتواند بدون حمایت دائمی دولت در بازارهای جهانی رقابت کند. تجربه کشورهای نفتی همسایه ایران از این جهت آموزنده است. عربستان سعودی، امارات، قطر و عمان هنوز نفت و گاز را کنار نگذاشته‌اند. برعکس از درآمد هیدروکربن برای ساخت زیرساخت، لجستیک، گردشگری، صنایع جدید، خدمات مالی و اقتصاد دیجیتال استفاده می‌کنند. بانک جهانی نیز گزارش کرده است که کشورهای سواری همکاری خلیج فارس با وجود ادامه وابستگی مالی به هیدروکربن‌ها در مسیر توسعه‌یشی و تحول دیجیتال حرکت کرده‌اند؛ امارات در این میان در متنوع کردن پایه صادراتی جلوتر رفته است. درس این تجربه این نیست که نفت را کنار بگذاریم؛ بلکه این است که نفت باید سرمایه ساختن اقتصاد غیرنفتی باشد، نه جایگزین آن. مشکل تاریخی ایران شاید دقیقاً همین جا بوده است. نفت به جای آنکه سسکوی پرتاب اقتصاد شود، در بسیاری از دوره‌ها خود اقتصاد را سازمان داده است. دولت با درآمد نفت بزرگ شده، نرخ ارز با درآمد نفت تنظیم شده، واردات با نفت تأمین شده و بسیاری از صنایع نیز مستقیم یا غیرمستقیم به انرژی و ارز ارزان متکی شده‌اند. بنابراین عبور از نفت فقط تغییر ترکیب صادرات نیست، تغییر شیوه حکمرانی اقتصادی است.

باید در نظر داشت که هیچ معدن، محصول کشاورزی، صنعت یا منبع انرژی به‌تنهایی نمی‌تواند همان نقشه‌ای را بازی کند که نفت طی یک قرن در اقتصاد ایران بازی کرده است و شاید بهتر باشد که چنین چیزی پیدا نشود. اقتصاد سالم نباید به یک منبع وابسته باشد. آینده ایران می‌تواند ترکیبی از صنعت رقابتی، معدن فرآوری شده، پتروشیمی، انرژی خورشیدی و بادی، ترانزیت، گردشگری، کشاورزی یا بهره‌وری بالا، خدمات دیجیتال، فناوری و سرمایه انسانی باشد. اما برای بالفعل شدن همه این ظرفیت‌ها یک شرط مشترک وجود دارد. اینکه اقتصادی که بتواند سرمایه جذب کند، فناوری وارد کند، با جهان تجارت کند و به کارآفرین اجازه دهد که مزیت‌های جدید بسازد. شواهد تازه نیز نشان می‌دهد که انزوای طولانی‌مدت با افت سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت و صادرات غیرنفتی ایران همراه بوده است. بنابراین مسئله اصلی ایران در عصر پس از نفت، پیدا کردن «نفت بعدی» نیست. مسئله این است که آیا می‌تواند از اقتصادی که مزیت‌هایش را از زیر زمین استخراج می‌کند به اقتصادی تبدیل شود که مزیت‌هایش را روی زمین می‌سازد. اگر چنین تحولی رخ دهد، پایان عصر نفت لزوماً تهدید نیست و می‌تواند، آغاز عصر دیگری برای اقتصاد ایران باشد.

این امکانات را محدود می‌کند و سرمایه در گردش بیشتری می‌طلبد. به این ترتیب محدودیت مالی به محدودیت تولید تبدیل می‌شود. پیامد سوم شاید مهم‌تر باشد. انزوای بانکی فقط هزینه تجارت موجود را افزایش نمی‌دهد؛ می‌تواند مانع شکل‌گیری تجارت جدید شود. شرکت‌های بزرگ بین‌المللی معمولاً حاضر نیستند برای یک معامله وارد شبکه‌ای پیچیده از واسطه‌ها و پرداخت‌های غیرشفاف شوند. سرمایه‌گذار خارجی نیز زمانی که نتواند سرمایه وارد کند، سود خود را انتقال دهد یا از ضمانت‌های معتبر برخوردار باشد، انگیزه کمتری برای حضور خواهد داشت. در نتیجه اقتصاد نه فقط سرمایه بلکه بخشی از فرصت انتقال فناوری، دانش مدیریتی و پیوستن به زنجیره‌های ارزش جهانی را نیز از دست می‌دهد. البته تجربه ایران نشان داده است که می‌توان بدون روابط بانکی عادی تجارت کرد. مسئله اصلی اما «امکان تجارت» نیست؛ مسئله «مقیاس و کیفیت تجارت» است. تهاتر، صرافی و واسطه می‌توانند، راه‌هایی برای عبور از محدودیت ایجاد کنند اما هرچه اقتصاد بزرگ‌تر و پیچیده‌تر شود نیاز آن به نظام‌های اعتبار، بیمه، تضمین و تسویه نیز افزایش می‌یابد. به همین دلیل انزوای مالی را می‌توان، نوعی سقف نامرئی برای رشد دانست. اقتصاد ممکن است زیر این سقف همچنان تولید کند، نفت بفروشد، کالا وارد کند و حتی در دوره‌هایی، صادراتش را افزایش دهد اما بالا رفتن از مراحل پیچیده‌تر توسعه دشوارتر می‌شود. بنابراین پرسش اساسی این نیست که آیا بدون بانک‌های جهانی می‌توان تجارت کرد؛ تجربه نشان داده که پرسش مهم‌تر این است که تا کجا می‌توان رشد کرد؟

قتل دردناک

از ناپدید شدن ۱۵روزه یک مداح تا اعترافات متهمان به شکنجه و قتل

فائزه مومنی

گروه اجتماعی



رسانه‌ها و مقامات قضایی و انتظامی از دستگیری متهمان پرونده ربایش و قتل حمیدرضا رجب‌زاده، مداح اهل‌بیت، پس از دو هفته بی‌خبری خبر دادند. این پرونده که با انتشار تصاویری از پیکر وی در فضای مجازی وارد فاز حساس امنیتی و قضایی شد با شناسایی خودروی حامل وی و اعترافات اولیه عاملان اصلی به بازداشت چهار متهم انجامید.

ناپدید شدن ناگهانی و پیگیری‌های اولیه

براساس اطلاعات منتشرشده، حمیدرضا رجب‌زاده، حدود ۱۵روز پیش از کشف پیکرش به یک‌باره ناپدید شد. در زمان وقوع این حادثه و مفقود شدن وی، خانواده‌اش در سفر زیارتی کربلا به سر می‌بردند و به همین دلیل پیگیری‌های رسمی و تجسسی پس از بازگشت آنان به کشور آغاز شد. در روزهای نخست بی‌خبری گمانه‌زنی‌های مختلفی درباره سرنوشت این مداح مطرح شد. هدی ناصرخانی، مسئول هیأتی که رجب‌زاده در آن فعالیت داشت درباره روند پیگیری‌ها اعلام کرد که در ابتدای بررسی‌ها، خبری درباره وقوع یک تصادف شدید در جاده اصفهان منتشر شد که

قضای

تحت تعقیب

سخنگوی قوه قضائیه اعلام کرد: محمداقبر خرازی به دادگاه ویژه روحانیت احضار شد

گروه اجتماعی: نشست خبری اصغر جهانگیر، سخنگوی قوه قضائیه همزمان با روز خبرنگار و ایام پایانی ماه صفر با حضور اصحاب رسانه برگزار شد. سخنگوی قوه قضائیه در بخش نخست این نشست به پرسش‌هایی درباره برخی پرونده‌های مطرح روز و اظهارات اخیر شخصیت‌ها پاسخ داد. جهانگیر درباره موضع دستگاه قضا در قبال اظهارات اخیر محمداقبر خرازی علیه برخی مقامات کشور و ادعاهای مطرح شده پیرامون نظام و دولت سایه تصریح کرد که با توجه به کسوت روحانیت متهم، رسیدگی به اتهامات وی مستقیماً در صلاحیت دادگاه ویژه روحانیت قرار دارد. وی تأکید کرد که دادگاه ویژه روحانیت بلافاصله نسبت به تحت تعقیب قرار دادن خرازی اقدام کرده و وی برای تفهیم اتهام احضار شده است. سخنگوی دستگاه قضا، خاطرنشان کرد که اتهامات متعددی ازجمله اتهامات امنیتی متوجه وی است و در صورتی که در مهلت مقرر در دادگاه حاضر نشود، حکم جلب وی صادر خواهد شد.

جهانگیر در ادامه به تشریح وضعیت پرونده ساعدی‌نیا پرداخت و اعلام کرد که رأی این پرونده توسط دادگستری استان قم صادر شده و برای فرجام‌خواهی به دیوان عالی کشور ارسال شده است. وی با تکذیب برخی شایعات مطرح شده در فضای مجازی مبنی بر رفع پلمب کافه‌های مرتبط با متهم اظهار کرد که تمامی اموال منقول و غیرمنقول متهم، مشمول مصادره قرار گرفته است و تا زمانی که دیوان عالی کشور، نظر نهایی خود را اعلام نکند، متهم کاملاً از فعالیت در زمینه کافه‌داری محروم خواهد بود.

درخصوص پرونده جنجالی کلثوم اکبری نیز سخنگوی قوه قضائیه، جزئیات جدیدی ارائه داد و گفت که دادگاه بدوی از حیث مباشرت در قتل عمدی، حکم ۱۰ فقره قصاص نفس به‌صورت مستقل در حق اولیای دم صادر کرده است. وی افزود که در حال حاضر یکی از اولیای دم اعلام گذشت کرده و دیگری مطالبه دیه دارد. به گفته جهانگیر، متهم و اولیای دم ۲۰ روز مهلت دارند تا به رأی صادره اعتراض کنند و پس از ثبت اعتراضات، پرونده جهت بررسی نهایی به دیوان عالی کشور فرستاده می‌شود تا رأی قطعی صادر و اطلاع‌رسانی شود.

سخنگوی دستگاه قضا همچنین در پاسخ به سوالی درباره پرونده زنکته و شایعات پیرامون تیرنه یا محکومیت وی تأکید کرد که رأی مرحله بدوی صادر شده اما به دلیل اعتراض صورت‌گرفته، پرونده هم‌اکنون در دادگاه تجدیدنظر در حال رسیدگی است. وی از رسانه‌ها و افکار عمومی

طی آن یک نفر جان خود را از دست داده و فرد دیگری به کما رفته بود. به دلیل تشابه نام و فامیلی فرد بستری شده با حمیدرضا رجب‌زاده، احتمال داده شد که وی همان مداح مفقودشده، باشد. در پی این موضوع، همکاران و نزدیکان وی برای بررسی میدانی راهی اصفهان شدند اما پس از بررسی‌های بیمارستانی مشخص شد که فرد بستری شده رجب‌زاده نبوده و جست‌وجوها برای یافتن وی همچنان ادامه یافت.

انتشار ویدئو و تأیید رسمی خبر قتل

پس از ۱۵ روز بی‌خبری مطلق، ویدئویی از پیکر آسیب‌دیده حمیدرضا رجب‌زاده در شبکه‌های اجتماعی و برخی رسانه‌های خارج از کشور منتشر شد که نشان‌دهنده فوت وی بود. همزمان گزارش شد که تصاویری از لحظه قتل و پیکر وی به‌صورت مستقیم برای خانواده‌اش نیز ارسال شده است. در پی انتشار این تصاویر، خبرگزاری‌های رسمی وقوع سناریوی ربایش و قتل این مداح را تأیید کردند. همچنین سازمان هیأت و تشکل‌های دینی با صدور اطلاعیه‌ای رسمی، این حادثه را محکوم کرد و آن را اقدام متجاوزانه و تلاش دشمنان برای ایجاد رعب، وحشت و ناامنی در جامعه اسلامی دانست. این سازمان با تأکید بر لزوم برخورد قاطع از دستگاه‌های امنیتی، انتظامی و قضایی خواست تا ابعاد

پرونده را به سرعت روشن کرده و عاملان این جنایت را به سزای اعمالشان برسانند.

روند تحقیقات انتظامی و شناسایی خودروی متهمان

با تأیید وقوع جنایت، تیم‌های ویژه پلیس آگاهی و مراجع قضایی، تحقیقات تخصصی خود را برای بازخوانی آخرین تحرکات رجب‌زاده آغاز کردند. مأموران انتظامی با دریافت اطلاعات از خانواده و نزدیکان وی درباره آخرین برنامه‌ها، جلسات و مسیرهایی که قرار بود طی کند، اقدامات تجسسی را به‌صورت گسترده ادامه دادند. در جریان رصد‌های اطلاعاتی و بررسی دوربین‌ها و داده‌های مسیر، کارآگاهان موفق شدند خودرویی که رجب‌زاده برای آخرین بار سوار آن شده بود را شناسایی کنند. با مشخص شدن مالکیت خودرو، عملیات دستگیری وی به سرعت انجام شد.

داشته و ارز آن را به چرخه اقتصاد بازگردانده‌اند کاملاً شناسایی شده‌اند.

وی همچنین افشا کرد که بیش از ۱۰۰ صادرکننده واقعی که از این کارت‌ها برای فرار مالیاتی و عدم بازگشت ارز سوءاستفاده می‌کرده‌اند تحت تعقیب شدید قضایی هستند و احتمال صدور حکم مصادره اموال برای آنان وجود دارد.

انهدام شبکه یونیک فاینانس

جهانگیر در بخش دیگری از گزارش اقتصادی خود به پرونده کلاهبرداری شبکه‌ای و هرمی شرکت، موسوم به «یونیک فاینانس» اشاره کرد. وی با بیان اینکه این شرکت حدود ۲۵ هزار عضو داشته است، گفت که تاکنون ۲۱ هزار نفر از مال‌باختگان، اقدام به ثبت شکایت رسمی علیه این مجموعه کرده‌اند. براساس تحقیقات اولیه برآورد می‌شود که بیش از ۳هزار میلیارد تومان از اموال مردم به صورت شبکه‌ای و در قالب رمزارز از کشور خارج شده باشد. سخنگوی دستگاه قضا از تعقیب بین‌المللی متهمان این پرونده خبر داد و افزود که ۷ سرکرده اصلی این شرکت در کشورهای امارات، ترکیه و مالزی تحت اعلان قرمز اینترپل قرار دارند. وی با خرسندی اعلام کرد که با همکاری پلیس بین‌الملل یکی از متهمان کلیدی این پرونده به نام «نیماطبری» دستگیر و به ایران مسترد شده و پرونده وی هم‌اکنون در دادگاه ویژه جرایم اقتصادی در حال رسیدگی است.

پیگیری حقوقی خسارات جنگی

دستگاه قضایی در حوزه بین‌الملل و پیگیری حقوق عامه نیز اقدامات گسترده‌ای انجام داده که سخنگوی قوه قضائیه به تشریح آنها پرداخت. جهانگیر اعلام کرد با همکاری بیش از ۱۵ هزار کارشناس رسمی، کارشناسی تمام مناطق غیرنظامی و اماکن آسیب‌دیده در جریان جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان به انتهای رسیدگی رسیده و مستندسازی شده است. وی خبر داد که بیش از ۵۰ هزار وکالت‌نامه رسمی از سوی شهروندان و متضرران برای طرح شکایت علیه دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی در شعبه ۵۵ دادگاه تهران دریافت شده است. درخصوص پرونده حمله ناجوانمردانه به مدرسه شجره طیبه میناب، جهانگیر تصریح کرد که پرونده این جنایت به‌صورت ویژه در دادسرای تهران در حال بررسی است و ظرف دو هفته آینده تصمیم نهایی قضایی علیه متهمان، یعنی دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی، اتخاذ و ابلاغ خواهد شد.

وقتی سیاست

به دانشگاه می‌رسد

دانشگاه‌های ایران

زیر فشار تحریم و افت رتبه

افت جایگاه دانشگاه‌های ایران در رتبه‌بندی‌های جهانی تنها به کاهش رتبه چند دانشگاه محدود نمی‌شود؛ پشت این سقوط، مجموعه‌ای از مشکلات از کمبود بودجه و فرسودگی تجهیزات پژوهشی تا محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها قرار دارد؛ محدودیت‌هایی که در مواردی حتی حضور دانشگاه‌های ایران در نظام‌های بین‌المللی ارزیابی را نیز دشوار کرده است.

در آخرین رتبه‌بندی QS ترکیه با ۲۵ دانشگاه، عربستان با ۲۲ و امارات با ۱۲ دانشگاه در میان کشورهای منطقه حضور دارند، درحالی که سهم ایران ۱۱ دانشگاه است. دانشگاه تهران، به‌عنوان برترین دانشگاه ایران، نیز با سقوط ۴۵ پله‌ای نسبت به سال گذشته در جایگاه ۳۶۷ جهان قرار گرفته است. نکته قابل توجه، افت رتبه همه دانشگاه‌های ایرانی حاضر در این رتبه‌بندی نسبت به سال قبل است.

جعفر توفیقی، وزیر اسبق علوم، یکی از عوامل این افت را کاهش فعالیت‌های پژوهشی می‌داند و معتقد است نخبگان دانشگاهی برای ادامه فعالیت خود به امکانات پژوهشی نیاز دارند؛ امکاناتی که تأمین آنها در شرایط تحریم دشوار شده است.

کارن ابری‌نیا، استاد دانشگاه تهران و دبیر کانون صنفی استادان دانشگاهی ایران نیز با اشاره به هزینه بالای تأمین تجهیزات پژوهشی به خبرآنلاین گفته که تحریم‌ها باعث شده تهیه مواد اولیه، دستگاه‌ها و تجهیزات مورد نیاز دانشگاه‌ها با هزینه‌های چند برابری انجام شود. به گفته او، تجهیزات پژوهشی دانشگاه تهران نیز در مقایسه با دانشگاه‌های کشورهای اطراف به‌روز نیست هرچند پژوهشگران ایرانی همچنان در برخی حوزه‌ها تولید علمی قابل‌توجهی دارند.

اما محدودیت‌ها تنها به امکانات پژوهشی ختم نمی‌شود. دانشگاه‌های ایران اخیراً از رتبه‌بندی «تأثیرگذاری» تا‌بمز نیز کنار گذاشته شدند. به‌روز رسولی، متخصص علم‌سنجی، اعلام کرده دلیل این حذف، تحریم‌ها و خودداری مؤسسه برگزارکننده از پذیرش دانشگاه‌های ایرانی بوده است؛ نه مشکل پرداخت هزینه عضویت.

به این ترتیب تحریم‌ها هم مسیر تولید و انتشار علم را دشوار کرده‌اند و هم امکان دیده شدن دانشگاه‌های ایران در برخی نظام‌های ارزیابی جهانی را محدود کرده‌اند؛ وضعیتی که می‌تواند بر همکاری‌های علمی و جذب دانشجویان بین‌المللی نیز اثر بگذارد.

